



نشریهٔ ماهانهٔ مدافعان سوسیالیسم علمی

شمارهٔ ۷، تیر ۱۳۷۷
(ژوئیه ۱۹۹۸)

«خودی» و «غیر خودی»:

آگاهی دروغین و زنجیر اسارت جناح رادیکال اسلامی!

این روزها جناح های راست انحصارطلب مدافع سرمایه های بزرگ حاکم بار دیگر کوبیدن بر طبل «ضرورت وحدت میان نیروهای خودی» را — آن هم به طور همزمان با قلع و قمع یاران و هواداران آقای خاتمی در دولت، شهرداری، مطبوعات، دانشگاه ها و خیابان ها — آغاز کرده اند و با فریبکاری تمام چنین وانمود می کنند که گویا هرگونه عکس العمل مخالف و اعتراضی از سوی «نیروهای خودی» نسبت به سیاست های ارتجاعی آنان و سرکوبگری ها و تخلفات آشکارشان از قوانین اساسی و مدنی کشور، باعث «سوء استفادهٔ دشمنان» و «تضعیف نظام و انقلاب» خواهد شد! آنچه در این میان باعث شگفتی و تأسف بسیار است این است که برخی از نیروهای هوادار آقای خاتمی و وابسته به جناح رادیکال اسلامی نیز با پذیرش و حتی تبلیغ این تقسیم بندی واهی و مخرب، خود را در همان محظوری قرار می دهند که جناح راست مدافع سرمایهٔ بزرگ خواهان آن است. آنها با پذیرش این تقسیم بندی، هم خود را در برابر یورش جناح های راست و انحصارطلب خلع سلاح می کنند، و هم خواسته یا ناخواسته زمینهٔ ایده نولوژیک لازم را برای سرکوب به اصطلاح «غیرخودی» ها به دست نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر می دهند.

نگاهی به سیر تکاملی این تقسیم بندی در دوران پس از انقلاب، نه تنها بی پایگی و تناقض درونی، بلکه ماهیت انحصارطلبانه و سرکوبگرانهٔ رو به رشد آن را طی این سال ها به خوبی نشان می دهد. از همان ابتدای انقلاب جریانات فشری و انحصارطلب مذهبی کوشیدند تا با طرح این تقسیم بندی، میان خود و نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب مرزبندی کنند و بدین سان آنها را از عرصهٔ قدرت سیاسی دور نگهدارند. برای مبتکران انحصارطلب این تقسیم بندی، خط «خودی» و «غیرخودی» از میان نیروهای مذهبی از یک سو، و نیروهای ملی گرا و چپ از سوی دیگر، جدا از این که چه کسی خواستار تحقق آرمان های انقلاب و چه کسی در جست و جوی منافع تنگ نظرانه و طبقاتی خود بود، عبور می کرد.

اما این تقسیم بندی عام میان مذهبپون و غیرمذهبپون برای مدت طولانی دوام نیاورد و به سرعت دامن بخشی از خود نیروهای «خودی» مذهبی را نیز گرفت. با اجرای رفراندم برای تعیین شکل نظام و قانون اساسی آن، به ویژه به واسطهٔ پیش آمدن اختلاف نظر در درون نیروهای مذهبی بر سر مقولهٔ «ولایت فقیه» و جایگاه آن در قانون اساسی، معیار «خودی» بودن از آنچه که بود نیز تنگ تر شد و به پذیرش اصل «ولایت فقیه» در قانون اساسی محدود گشت. از این تاریخ، «خودی» بودن به معنای پذیرش نظام جمهوری اسلامی و اطاعت بی چون و چرا از شخص «ولی فقیه» و روحانیون قدرتمند حامی وی تعبیر شد، و بدین طریق، بخش بزرگی از نیروهای ملی- مذهبی که به یک چنین شیوهٔ حکومتی اعتقاد نداشتند، از جرگهٔ نیروهای «خودی» به بیرون رانده شدند و به صف «غیرخودی» ها پیوستند.

اما این نیز پایان ماجرا نبود. با قدرت گرفتن روزافزون جناح های سرمایهٔ بزرگ تجاری و بوروکراتیک در سطح جامعه و در درون حاکمیت، که بیش از هرچیز از پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و عراق ناشی می شد، یورش همه جا نبه ای به نیروهای مدافع زحمتکشان در سطح جامعه به منظور اعمال قدرت و تحمیل سیاست های ارتجاعی جناح های سرمایهٔ بزرگ در سطح کشور آغاز گشت. بدین ترتیب و تعریف «خودی» بار دیگر تعبیر یافت و این بار، از پذیرش نظام و اطاعت از «ولی فقیه»، به تسلیم در برابر سیاست های راست روان و سرکوبگرانهٔ جناح های سرمایهٔ بزرگ تجاری و بوروکراتیک درون حاکمیت تبدیل شد. قربانیان این تعریف جدید از «خودی» و «غیرخودی»، چند دسته بودند. نخست، «غیرخودی»های گذشته و به ویژه انقلابپون دگراندیش درون زندان ها، که در روند فاجعهٔ ملی در سال ۶۷ همگی در پیش پای سرمایه های بزرگ داخلی و بین المللی اعدام شدند. دوم، آیت الله منتظری و هواداران او، که شجاعانه به این سیاست های سرکوبگرانه اعتراض کردند و خود نیز به قربانیان این روند بدل شدند. و سوم، جناح رادیکال اسلامی موسوم به «خط امام»، که به خاطر مخالفت هایش با سیاست های فاجعه بار تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی، نه تنها از حاکمیت، بلکه از مجلس نیز به بیرون رانده شد تا راه برای سلطهٔ کامل سرمایهٔ بزرگ و سیاست های آن بر کشور هموار شود. بدین سان، در این مرحله، با رانده شدن بخش مهمی از نیروهای مذهبی مدافع نظام و اصل «ولایت فقیه» به صف «غیرخودی» ها، تقسیم بندی «خودی» - «غیرخودی» همهٔ توجیه های مذهبی خود را از دست داد و به مقوله ای طبقاتی و ابزارِی برای انحصار قدرت توسط جناح های سرمایهٔ بزرگ و سرکوب زحمتکشان و نیروهای مدافع آنان در جامعه، بدل گشت.

با اوج گیری جنبش های اعتراضی توده های زحمتکش مردم، که از پیامدهای سیاست اقتصادی تحمیل شده از سوی جناح های سرمایهٔ

ادامه در صفحهٔ ۲

زمینه چینی نیروهای راست برای یورش به قانون کار!

قانون کار باید به نحوی مورد تجدید نظر قرار گیرد که اجازهٔ «تعدیل نیروی انسانی» را به کارخانجات و دیگر واحدهای تولیدی کشور بدهد!

این اولین بار نیست که قانون کار مورد یورش مدافعان سرمایهٔ بزرگ و سخنگویان «نئولیبرال» سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در میهن ما قرار می گیرد. همه به خاطر داریم که به دنبال عدم موفقیت برنامهٔ پنجسالهٔ اول تعدیل اقتصادی، حامیان این برنامه همهٔ حملات خود را متوجه قانون کار ساختند و به دستور صندوق بین المللی پول، به طور همزمان با ارائهٔ برنامهٔ پنجسالهٔ دوم خود، پیشنهاد تغییر اصول مترقی قانون کار را نیز به عنوان پیش شرط موفقیت این برنامه به مجلس بردند. در آن زمان، کارگران میهن ما که خاطرهٔ مبارزهٔ دشوار و طولانی خود علیه پیش نویس قانون کار ارتجاعی «توکلی» (وزیر کار وقت) و برای تصویب قانون کار کنونی را هیچ گاه از یاد نبرده بودند، با سازماندهی یک حرکت چشمگیر اعتراضی در سطح کشور، تا حد برگزاری جشن سالروز تصویب قانون کار در سراسر ایران — کاری که تا آن زمان بی سابقه بود — و ارسال طومارهای تبریک به مسؤولان درجه اول حکومت، از جمله کسانی که خود طراح اصلی یورش به قانون کار بودند، این توطئهٔ نیروهای راست را قاطعانه کشتی ساختند و مانع هرگونه تجدید نظر در قانون کار شدند. شدت و گسترش مبارزات کارگران در دفاع از قانون کار در آن زمان به حدی

ادامه در صفحهٔ ۳

تجمع بزرگ کارگران استان تهران:

حمایت از کارگر یعنی دفاع از آرمانهای انقلاب!

بیبی کرده ایم و حال این سؤال مطرح است که این پول را از چه کسی دریافت خواهند کرد؟! این بار مالی یعنی غرض ورزی با کارگران.» احمدی در رابطه با حملاتی که اخیراً از سوی نظریه پردازان بخش خصوصی و طرفداران سیاست تعدیل اقتصادی به قانون کار صورت می گیرد، و ضرورت دفاع در برابر این حملات، گفت: «قانون کار یکی از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی و یادگار بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. ولی متأسفانه این قانون مورد بی مهری و تاخت و تاز بعضی از کارفرمایان و کارشناسانی که الفبای قانون کار را هم نمی دانند قرار گرفته است.... مشکلات فعلی موجود در کارخانه ها از بی توجهی و عدم مدیریت است و از قانون کار نیست.»

در این تجمع، علیرضا محجوب، نمایندهٔ مجلس و دبیرکل خانهٔ کارگر، ضمن ارایهٔ تحلیلی از وضع کارخانه ها و دلایل نابسامانی در عرصهٔ تولید، در رابطه با اقداماتی که علیه قانون کار در دست اجرا است به کارگران هشدار داد و گفت: «وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی کارگران را نیز دچار مشکلات معیشتی کرده است.... هم اکنون شاهد حمله به دستاوردهای انقلاب هستیم و متأسفانه طی ماه های اخیر برخی نشریات و محافل زرمزهٔ انتقاد از قانون کار

ادامه در صفحهٔ ۲

نامهٔ اعتراضی ۲۵۰ هزار نفر از روستاییان اراک

زمین خواری متولیان ادارهٔ اوقاف را متوقف کنید!

«شخصی به نام مرحوم حاج آقا محسن در وقف نامه ای خود را مالک ۵۰ روستا و هفت کاروانسرا در اراک و ۳۰۰ باب مغازه در بازار این شهر و تعدادی قنات و چشمه و رودخانه معرفی کرده و زمین های روستاهای مذکور را به اصطلاح وقف کرده و متولیان مربوطه نیز خود را پشت سر ادارهٔ اوقاف پنهان کرده و در صدد برآمده اند تا از این ماجرا سودی به جیب بزنند. سؤال ما روستاییان این است که آقای واقف، یعنی مرحوم حاج سید محسن، چه دلیل و مدرکی برای مالکیت خود نسبت به اراضی وقف شده دارد؟ ایشان چگونه و از چه راهی مالک این همه زمین و منابع خدادادی شده اند؟ آیا مرحوم این زمین ها و منابع را از چه کسی خریده است و یا آنها را احیاء کرده است؟ و یا این که از کسی به ارث برده است؟

«ایشان به کدام طریق شرعی و قانونی مالک شده اند؟ در حالی که

ادامه در صفحهٔ ۲

در صفحات بعد

برنامهٔ اعلام شدهٔ وزیر کشور جدید در رابطه با

توسعهٔ سیاسی و اجتماعی کشور

(صفحهٔ ۳)

کسانی که کارگران را مضروب می کنند باید

محاکمه و مجازات شوند!

(صفحهٔ ۴)

موج عظیم اعتصاب های کارگری جهان

سرمایه داری را فراگرفته است!

(صفحهٔ ۵)

سوسیالیسم: بدیل تاریخی سرمایه داری!

حزب کمونیست آلمان

(صفحهٔ ۶)

باندهای فحشاء روسیه اسراییل را به پایگاه

فعالیت خود بدل کرده اند!

(صفحهٔ ۷)

با گسترش روند ورشکستگی کارخانه ها و واحدهای تولیدی در سراسر کشور، که بیش از هرچیز معلول سلطهٔ همه جا نبهٔ سرمایهٔ انگلی تجاری بزرگ بر شریان های اقتصادی کشور از یک سو، و سیاست خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول بر میهن ما از سوی دیگر است، جناح های نمایندهٔ سرمایهٔ بزرگ درون حاکمیت و کارفرمایان بخش خصوصی بار دیگر شرایط را برای یورش تازه به قانون کار مناسب دیده و به کار تدارک زمینه های لازم برای تغییر این قانون، و در صورت امکان الغای کامل آن، مشغول شده اند.

این زمزمه ها از نزدیک به سه ماه پیش برای اولین بار از سوی روزنامهٔ «جامعه» آغاز گردید و سپس در محافل گوناگون «کارشناسی» ابعاد گسترده تر به خود گرفت. این روزنامه از زبان یکی از «کارشناسان اقتصادی» ظاهراً دلسوز برای دولت آقای خاتمی اما در عمل حامی منافع سرمایه داران بزرگ حاکم، قانون کار را به عنوان مانع عمده بر سر راه «تعدیل نیروی کار» در واحدهایی که «مازاد نیروی انسانی» دارند اعلام کرد و گفت که این قانون با ممانعت از اخراج کارگران توسط کارفرمایان، به متضرر شدن واحدهای تولیدی و ورشکستگی و تعطیل آنها یاری می رساند و از این طریق خود به عامل افزایش شدید رکود و بیکاری در کشور بدل شده است. بر اساس این تحلیل، «کارشناس» مزبور به دولت پیشنهاد کرد که برای خروج از بحران فعلی،

روز دوشنبه اول تیرماه، کارگران کارخانه های تهران و نمایندگان آنها، برای دفاع از «قانون کار» و تصویب طرح «بازنشستگی پیش از موعد برای کارهای سخت و زیان آور»، گردهمایی بزرگی برگزار کردند. این گردهمایی به ابتکار «کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران» و با شرکت تعداد کثیری از کارگران در استادیوم «شهید معتمدی» تهران تشکیل شد. پرویز احمدی، رییس هیأت مدیرهٔ کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران، هدف برگزاری این تجمع را دفاع از قانون کار، قانون بازنشستگی پیش از موعد برای مشاغل سخت و زیان آور، و همچنین حمایت از دولت خاتمی عنوان کرد. وی گفت: «طرح بازنشستگی پیش از موعد که از سوی نمایندگان جامعهٔ کارگری در مجلس شورای اسلامی به مجلس تقدیم شده بود، به دلیل ارائه لایحه ای از سوی دولت مسکوت ماند. اما، ما به مواردی از این لایحه که از سوی سازمان تأمین اجتماعی تنظیم شده اعتراض داریم.» احمدی ضمن اعلام حمایت کارگران از دولت، در انتقاد از نویسندگان «لایحه» گفت: «آقایان مفهوم «کار» را نمی دانند و محیط های کارگری را هم ندیده اند! در لایحهٔ تنظیم شده از سوی سازمان تأمین اجتماعی، افزایش ۴ درصدی حق بیمه مطرح گردیده است ولی ما در طرح خود ... این میزان را یک درصد پیش

۲۵۰ هزار نفر از روستاییان ساکن روستاهای اراک، طی یک نامهٔ

بی سابقه، نسبت به زمین خواری ها و تصرف املاک توسط متولیان ادارهٔ اوقاف این شهر اعتراض کردند و خواستار رسیدگی به این تخلفات شدند.

روزنامهٔ «کار و کارگر» (۳۰ خرداد ۷۷) خلاصه ای از نامهٔ اعتراضی ساکنان روستاهای: مرزیجران، دربند ضامن جان، گوشه قره کهریز و علی آباد قره کهریز، ساکی علیا و سفلی، شمس آباد، خرم آباد، علیم آباد، نکیه، موچان آب باریک، چناس، کرک، عمارت، قلعه عمارت، هفته، بازنده قلعه، بازنده حصار، عنبرته، نجره، دستچرده، واشه، سرسختی، قینر، رشان سودانه، باغ برآفتاب، قدمگاه، مهاجران خاک، مهاجران کمر، مهاجران، حاج ابوالحسن کزاز، خانه میران رباط میل، دهسد، سناورد، عباس آباد، اناج، کرکان، آلود، مویک، گوشه علیا، گوشه سفلی، حسین آباد و...، را به مسؤولان مربوطه چنین درج کرده است:

توطئهٔ تازهٔ نمایندگان جناح راست مجلس

برای انحلال «دفتر تحکیم وحدت»!

تعدادی از نمایندگان جناح راست مخالف دولت خاتمی در

مجلس، به دنبال موفقیت در برکناری عبدالله نوری از مقام وزارت کشور، اکنون به فکر یورش به جنبش دانشجویی و انحلال «دفتر تحکیم وحدت» افتاده اند. طبق گزارش روزنامهٔ «کار و کارگر» (۱۸ تیر ۱۳۷۷)، «جمعی از نمایندگان وابسته به جناح اکثریت مجلس ... در صدد تهیهٔ طرح انحلال دفتر تحکیم وحدت و تقدیم آن به هیأت رئیسه هستند». به گفتهٔ این روزنامه، «برخی از نقل قول های تأیید شده حاکی است که عباس عباسی، نمایندهٔ مردم بندر عباس، از طراحان اصلی این طرح است». طبق همین گزارش، «عبدالمحمد استاد» نیز یکی از این نمایندگان است که طی نطقی در مجلس از «دفتر تحکیم وحدت» به عنوان «یک گروه غیرقانونی دانشجویی» نام برده است.

بر اساس گزارش «کار و کارگر»، به موازات آغاز این زمزمه ها توسط جناح راست در مجلس، دو بیانیةٔ انتقاد آمیز نیز علیه «دفتر تحکیم وحدت» به طور جداگانه در شهر زاهدان انتشار یافته است که در آنها عده ای تحت نام «ایثارگران سیستان و بلوچستان» خواستار انحلال «دفتر تحکیم وحدت» شده اند. صادرکنندگان این بیانیه از رییس جمهور «برخورد و انحلال دفتر تفریق (تحکیم) وحدت که ناخواسته بلندگوی اجانب شده» را طلب کرده اند.

«کار و کارگر» در گزارش خود می نویسد: «تهیهٔ چنین طرحی در حالی صورت می گیرد که مرجع صدور مجوز فعالیت و یا انحلال نهادهای سیاسی بر طبق قانون وزارت کشور است و مجلس اختیاری برای انحلال این قبیل نهادها ندارد.»

برقرار باد اتحاد همهٔ نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبههٔ دفاع از آرمانهای انقلاب!

«خودی» و «غیرخودی»…
(از صفحهٔ ۱)

بزرگ صدمات جدی دیده بودند، جناح رادیکال اسلامی بار دیگر امکان یافت که با تکیه بر این موج گستردهٔ اعتراضی، جناح‌های سرمایهٔ بزرگ درون حاکمیت را به عقب براند و با اشغال مجدد برخی از سنگرهای از دست رفتهٔ خود در مجلس و دیگر نهادهای دولتی، تا حد امکان مانع تداوم سیاست‌های فاجعه بار جناح‌های سرمایهٔ بزرگ، به ویژه در عرصهٔ اقتصادی، شود.

اما متأسفانه، این جناح که حرکت مجدد خود را با تحلیلی کم و بیش طبقاتی از وضعیت و صف بندی نیروهای سیاسی جامعه آغاز کرده بود، زیر فشار تبلیغاتی جناح‌های سرمایهٔ بزرگ از یک سو، و به عنوان تاکتیکی برای افزایش مقبولیت خود در میان برخی نیروهای مذهبی از سوی دیگر، به احیای تقسیم بندی کهنهٔ «خودی» و «غیرخودی» پرداخت و از این طریق کوشید تا با قرار دادن خود در صف «خودی»‌ها، آسیب‌پذیری خویش را در مقابل جناح راست به حداقل برساند. اما همان‌طور که تجربهٔ سال‌های اخیر نشان داد، «خودی»‌های واقعی، یعنی جناح‌های سرمایهٔ بزرگ درون حاکمیت و نمایندگان آنها در نهادهایی چون «شورای نگهبان»، نه تنها جناح رادیکال را به عنوان بخشی از «خودی»‌ها نپذیرفتند، بلکه همهٔ تلاش خود را نیز برای حذف نمایندگان آنها در روند انتخابات دورهٔ پنجم مجلس و جلوگیری از دستیابی این جناح به اهرم‌های قدرت به کار بستند، و در این کار موفق نیز شدند.

بدون آن که بخواهیم همهٔ علل عدم موفقیت جناح رادیکال را در دستیابی به اکثریت در مجلس پنجم تنها در این مسأله خلاصه کنیم — و این در حالی است که موج رشدیابندهٔ جنبش اعتراضی مردم زمینه‌های لازم را برای اکثریت یافتن این جناح در مجلس فراهم کرده بود — باید بگوییم که احیای تقسیم بندی نیروها به «خودی» و «غیرخودی» توسط جناح رادیکال اسلامی، آن‌هم در زمانی که شکاف و تضاد طبقاتی در سطح جامعه به اذعان تحلیل‌های خود این جناح بیش از هر زمان دیگر در سطح جامعه تبلور علنی یافته بود، خود به «چشم‌اسفندیار» و زنجیر اسارتی بدل گشت که این جناح را در برابر نیروهای راست «خودی» خلع سلاح نمود. احیای این تقسیم بندی به دست این جناح، نه تنها مانع دستیابی آن به اهداف خود در آن مرحله شد، بلکه به صورت یک تناقض گویی آشکار در چشم توده‌های میلیونی مردم جلوه‌گر گشت و مردم را از دفاع مستقیم از «خودی»‌های مجازی در برابر «خودی»‌های واقعی باز داشت. علت آن نیز روشن بود: مردم معنای واقعی «خودی» را طی سال‌ها با پوست و گوشت خود لمس کرده بودند و دیگر حاضر نبودند سرنوشته خود را با دست خود به «خودی» دیگری بسپارند.

نگاهی کوتاه به تحلیل نشریهٔ «عصرما»، ازگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و یکی از نیروهای اصلی جناح رادیکال و «خط‌امام»، در رابطه با این تقسیم بندی و تناقضات نهفته در آن، می‌تواند روشنگر و برای آینده راهگشا باشد. این نشریه، با اختصاص دادن شماره‌های متعدد خود به مسألهٔ تقسیم بندی طیف نیروها در سطح جامعه، که به واسطهٔ نزدیکی آن به یک تحلیل طبقاتی، کاربرد همه‌گیری نیز یافت، طیف نیروهای سیاسی مؤثر در عرصهٔ اجتماعی را به چهار دسته شامل: «راست سنتی» (که از نظر ما همان جناح سرمایهٔ بزرگ تجاری است)؛ «راست مدرن» (که نمایندهٔ سرمایه‌پرووگراتیک و تکنوکراتیک دولتی است)؛ «چپ جدید» (که به نظر ما شامل نمایندگان خرده بورژوازی سنتی و لمپن پرولتاریا است و به اشتباه «چپ» خوانده شده است)؛ و بالاخره، «چپ» (که شامل جناح رادیکال اسلامی، از جمله خود سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و «خط‌امام»، می‌شود)، تقسیم کرد.

با این‌که تحلیل‌های «عصرما» از منافع طبقاتی و عملکرد سیاسی هر

حمایت از کارگر یعنی دفاع از آرمانهای انقلاب
(از صفحهٔ ۱)

را سر می‌دهند… این عده مانع بازسازی و توسعهٔ اقتصادی کشور را قانون کار می‌دانند، در حالی که مسأله در جای دیگری است. افرادی که حقوق آن‌ها چند برابر حقوق کارگران است و نمی‌دانند که متوسط دریافتی کارگران چقدر است این نظریه را می‌دهند… کارگران هشیار باشند که امروز تمام جهت‌ها متوجه قانون کار است. « محبوب در رابطه با قانون بازنشستگی پیش از موعد و لایحهٔ ارایه شده از سوی سازمان تأمین اجتماعی، گفت: «طرحی که در آن شرط باشد مورد قبول جامعهٔ کارگری نخواهد بود… حدود ۵۰ درصد نیروی کار کشور بیشتر از طاقشان کار می‌کنند.»

در پایان این گردهمایی، قطعنامه‌ای در ۱۱ بند به تصویب رسید که در آن، کارگران ضمن اعلام پشتیبانیی خود از آرمانهای اولیهٔ انقلاب، و همچنین حمایت از ریاست جمهوری، خواهان اجرای قانون کار، تصویب طرح بازنشستگی پیش از موعد، مهار تورم، توجه به بیکاری، جلوگیری از تعدیل انسانی، توجه به قراردادهای موقت کار و پرداختن رسانه‌های گروهی به مسایل کارگران گردیدند. در جریان برگزاری این تجمع، کارگران شعارهایی مانند: «قانون پیش از موعد – تصویب باید گردد»، «حمایت از کارگر – حمایت از نظام است»، و «خاتمی‌خانی – حمایت می‌کنیم» سر می‌دادند. اقدام اخیر «کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران» در دفاع از حقوق کارگران از جمله اقدامات صحیح و ضروری است که باید مورد حمایت جدی

نامهٔ اعتراضی ۲۵۰ هزار روستایی…
(از صفحهٔ ۱)

هیچ دلیل شرعی و قانونی دال بر مالکیت واقف نسبت به اراضی وقف شده وجود ندارد… خوب می‌دانید که تا کسی مالک نباشد، نمی‌تواند ملکی را وقف نماید و استناد آقایان به این‌که اشخاص محترمی ذیل وقف نامه را امضاء کرده‌اند، نمی‌تواند دال بر مالکیت مرحوم بر اراضی مذکور باشد. واقعیت این است که امضاء اشخاص محترم بر وقف نامه به معنای اثبات مالکیت ایشان (مرحوم حاج محسن) نبوده، بلکه شهادت به عمل وقف است، نه شهادت به مالکیت واقف.

«لذا این تنها دلیل آقایان مبنی بر حاکمیت مرحوم بر اراضی فوق الذکر وجههٔ شرعی و قانونی ندارد. از طرفی، با مروری بر سوابق و گذشتهٔ مرحوم واقف، و به استناد مدارک تاریخی، ایشان از خانوادهٔ متمولی نبوده و خود نیز نمی‌توانسته با عرق جبین مالک این همه ثروت شود. بنابراین، مرحوم این املاک را نه به ارث برده و نه از فردی خریده و نه این‌که از راه‌احیاء و حیازت به دست آورده است.

«متأسفانه شنیده‌های ما حاکی است که مسؤولین محترم ادارهٔ اوقاف نیز بر آن شده‌اند تا رأی به نفع خانوادهٔ واقف و متوفی آن صادر گردد و این چنین ۲۵۰ هزار سکنهٔ روستاهای مذکور گرفتار شوند. ما ضمن این‌که تقاضای رسیدگی مسؤولان محترم نسبت به این مشکل را داریم، اعلام می‌کنیم که اگر واقعاً حقانیت حاج آقا محسن ثابت شود، ما حاضر نیستیم که مال وقف را تصرف نموده و در اختیار داشته باشیم و آمادگی تخلیهٔ اراضی و تحویل آنها به اوقاف را داریم. اما امیدواریم که مسؤولان محترم بینی و بین‌الله قضاوت کنند و ما را از این بلاتکلیفی نجات دهند.

اراک — ۲۵۰ هزار روستایی»

اخگر

یک از این چهار گروه اصلی، کاملاً نشان دهندهٔ تضادهای آشکار طبقاتی میان آنها بود، اما این نشریه بعداً، و عمدتاً زیر فشار فکری و سیاسی همین جناح‌های راست، ناچار شد که همهٔ این گروه‌ها را در جرگهٔ نیروهای «خودی» که به نظام و «ولایت فقیه» معتقدند به حساب آورد، در حالی‌که به اذعان خود «عصرما»، «مواضع و عملکرد برخی از آنها ممکن است لطماتی به مراتب شدیدتر از ضربات گروه‌های برانداز و مخالف بر پیکر نظام وارد کند.»! ! («عصرما»، شمارهٔ ۶۳، ۱۷ بهمن ۷۵) این نشریه در تحلیل خود از این هم بسیار فراتر رفت و اعلام کرد: «مهم‌ترین ملاک برای هماهنگی عملی بین نیروها، وابستگی آنها به یکی از طیف‌های سه‌گانهٔ طرفدار، مخالف قانونی [اشاره به نیروهای ملی -مذهبی که خود را «ملتزم» به اجرای قانون اساسی و «ولایت فقیه» می‌دانند اما با آن موافق نیستند — «اخگر»] و برانداز است. همچنان‌که ایجاد جبههٔ مشترک بین یک جمع خودی با یک گروه مخالف قانونی در مقابل یک تشکیلات خودی دیگر مردود است…»

تناقض یک چنین تقسیم بندی و تحلیلی در آنجا نهفته است که «هماهنگی» با کسانی را که بر اساس منافع طبقاتی ارتجاعی خود حتی حاضرند «لطماتی بسیار شدیدتر از گروه‌های برانداز بر پیکر نظام وارد کنند» تجویز می‌کند اما همکاری با «مخالفان قانونی ملتزم به نظام و قانون اساسی» را در برابر این ارتجاعیون خطرناک «لطمه زنده به نظام» مردود می‌شناسد. این در حالی است که خود این نشریه بارها و بارها بسیاری از عملکردهای نمایندگان جناح‌های راست، به ویژه «راست سنتی»، را در تقابل با دولت آقای خاتمی «تخلف آشکار از قانون اساسی»، «تضعیف کنندهٔ ولایت فقیه» و «سرپیچی از دستورات ولی فقیه» خوانده است!

بدین ترتیب، «عصرما» با این تحلیل متناقض همهٔ مبانی نظری مفهوم «خودی» (یعنی طرفداری از نظام و قانون اساسی، و پیروی از «ولایت فقیه») را که خود شالوده‌ریزی کرده است از میان می‌برد و در عمل نشان می‌دهد که این مفهوم جز یک ابزار ایجاد تفرقه و سرکوب طبقاتی در دست جناح‌های راست، و یک آگساهی دروغ‌بین بازدارنده برای جناح رادیکال اسلامی، که آن را از همکاری واقعی و عملی با نیروهای مردمی «غیرخودی» مدافع انقلاب باز داشته است، نیست.

مقایسه ای میان نتایج انتخابات دورهٔ پنجم مجلس، که بر اساس همین تقسیم بندی به پیش برده شد، و نتایج پیروزی بزرگ مردم ایران در روز دوم خرداد، که با نقی عملی این تقسیم بندی به دست آمد، گواهی آشکار بر ماهیت مخرب تقسیم نیروهای سیاسی و اجتماعی به «خودی» و «غیرخودی» است. آقای خاتمی، در شرایطی که «خودی»‌ها به گفتهٔ آیت‌الله موسوی اردبیلی حتی حمایت ۲۵ درصد مردم کشور را نداشتند، با رأی بیش از بیست میلیون نفر، یعنی بیش از ۷۰ درصد رأی دهندگان، به مقام ریاست جمهوری انتخاب شد. آیا در چنین شرایطی نباید صادقانه اذعان کرد که آقای خاتمی در حقیقت یا رأی قاطع «غیرخودی»‌ها، و علی‌رغم مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آشکار «خودی»‌ها به پیروزی رسیده است؟ آیا همین نمونه برای اثبات بطالت یک چنین تقسیم بندی کافی نیست؟ آیا پافشاری برحفظ یک چنین تقسیم بندی در شرایط حاضر بدین معنی نیست که آقای خاتمی و مردم «غیرخودی» و مخالفان آنان «خودی» هستند؟ آیا جناح‌های راست ارتجاعی و انحصارطلب اکنون همین تقسیم بندی را مبنای سنگ اندازی‌های خود علیه دولت آقای خاتمی و یورش به نیروهای مدافع او در دولت و در سطح جامعه قرار نداده‌اند؟ اصرار جناح‌های سرمایهٔ بزرگ حاکم بر حفظ این تقسیم بندی کاملاً در راستای منافع طبقاتی آنها و به خوبی قابل درک است. اما پافشاری بر حفظ آن از سوی نیروهایی که خود را مدافع مردم و آرمانهای انقلاب می‌دانند، تنها می‌تواند نشانهٔ عدم درک صحیح آنها از واقعیات طبقاتی موجود در جامعه و تحولات یک سال گذشته باشد.■

و فعال همهٔ مدافعان آرمانهای انقلاب قرار گیرد. ما ضمن اعلام حمایت از این اقدام «کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران»، دیگر دست اندرکاران مسایل کارگری کشور را فرا می‌خوانیم تا با گسترش فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی، در جهت بسیج و سازماندهی هرچه گسترده‌تر کارگران و زحمتکشان در دفاع از حقوق آنان اقدام کنند.

متأسفانه، خیر مربوط به برگزاری تجمع فوق فقط دو روز قبل از برگزاری آن، آن‌هم تنها به شکل یک خیر، در روزنامهٔ «کار و کارگر» انتشار یافت و جنبهٔ دعوت عام از کارگران برای شرکت در این تجمع را نداشت. بعد از برگزاری مراسم نیز، نه تنها گزارش کاملی از آن در هیچ‌جا دیده نشد، بلکه قطعنامهٔ این گردهمایی هم به‌طورکامل به چاپ نرسید. در حالی‌که در شهری به وسعت و جمعیت تهران، و با وجود صدها کارخانه در داخل و اطراف آن، بی‌شک امکان بسیج تعداد بسیار بیشتری از کارگران و زحمتکشان وجود داشت.

درجهٔ تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان و جلوگیری از پایمال شدن حقوق آن‌ها، فقط به میزان آگاهی و درجهٔ سازمان یافتگی آنان بستگی دارد. در مقابل تاخت و تاز سرمایه‌داران و کارفرمایان به اتکای قدرت مالی و مراکز قدرت دولتی، کارگران و دیگر زحمتکشان به فقر رانده شده، هیچ راهی جز ایجاد تشکل‌های مستقل در دفاع از حقوق اقتصادی و اجتماعی خود ندارند. باید به سازماندهی وسیع کارگران به عنوان مهم‌ترین و عاجل‌ترین اقدام در راستای دفاع از آرمانهای انقلاب توجه کرد.■

جدا از مضمون این نامه، که آشکارکنندهٔ عمق استثمار و شدت فشار غارتگران اقتصادی و انگل‌های دولتی بر روستاییان بی‌پناه میهن ما است، آنچه به این نامهٔ اعتراضی اهمیت ویژه می‌بخشد اقدام متحد و بی‌سابقهٔ ۲۵۰ هزار روستایی در دفاع از حقوق و منافع مشترکشان است. این حرکت به روشنی نشان می‌دهد که در پشت سکوت مرگباری که مالکان استثمارگر و نمایندگان آنها در حکومت بر روستاهای کشور حاکم کرده‌اند، روند مبارزهٔ توده‌های روستایی میهن ما نه تنها متوقف نشده است، بلکه ابعادی بی‌سابقه نیز به خود گرفته است.

اما آنچه در اینجا بیش ازهرچیز مایهٔ تأسف و نگرانی است، بی‌توجهی مدعیان دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان نسبت به مبارزات توده‌های زحمتکش میهن ما در روستاها است. روزنامهٔ «کار و کارگر» به عنوان یکی از مدعیان دفاع از حقوق زحمتکشان، چنان‌که گویی اصلاً متوجه اهمیت مسأله نشده است، این خبر را صرفاً به صورت یک رفع تکلیف، یا همان‌طور که خود توضیح داده است، «بنا بر وظیفه» و «به امید آن‌که گامی در جهت حل مشکلات این عزیزان برداشته باشیم»، در ستون آخر صفحهٔ ۹ خود، آن‌هم به صورت زائده‌ای در کنار مقاله‌ای طولانی‌با تیتَر درشت و غرق‌کنندهٔ «اجرای هزاران طرح عمرانی، تولیدی، آموزشی و بهداشتی در روستاها» [!] منتشر کرده است. «کار و کارگر» در این گزارش خود نه تنها کمترین علاقه‌ای به پیگیری این مسألهٔ پراهمیت از خود نشان نداده است، بلکه حتی به یک موضع گیری ساده نیز در دفاع از حقوق ۲۵۰ هزار زحمتکش تحت ستم میهن ما دست نزده است. این برخورد منفعلانه نه فقط برخوردی ناخوشودنی و به شدت قابل انتقاد، بلکه محکمی روشن برای سنجش درجهٔ پایبندی به شعارها است. وقت آن رسیده است که خود نیز، آنچنان‌که از دیگران طلب می‌کنیم، از شعار دادن صرف‌بهریزیم و پای در میدان دفاع از زحمتکشان روستاها بگذاریم.■

سال یکم، شمارهٔ ۷

اخبار ایران

- اختلاف نظر در «ستاد ساماندهی اقتصاد کشور»**

دکتر مرتضی قره باغیان، مشاور بانکی وزیر امور اقتصادی و دارایی و دبیر «ستاد ساماندهی اقتصاد کشور»، اخیراً در یک گفت و گوی اختصاصی با خبرنگاری جمهوری اسلامی اعلام داشت که این ستاد، پس از بررسی و فهرست بندی «مشکلات و دغدغه‌های اقتصادی کشور» طی جلسات متعدد، طرح ساماندهی اقتصاد کشور را تدوین کرده است.
قرار است این طرح مبنای برنامه‌های اقتصادی کوتاه مدت و بلند مدت اقتصاد کشور قرار گیرد. به گفتهٔ وی، برنامهٔ اقتصادی کوتاه مدت کشور حول سه محور سازمان‌دهی می‌شود که عبارت‌اند از: «زمینه‌سازی و شروع اصلاحات ساختار اقتصادی، فراهم‌سازی حضور بیشتر بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، و توقف گسترش نظام اداری و شروع اصلاح ساختار اداری». نکتهٔ قابل توجه در گفته‌های قره باغیان، اشارهٔ او به وجود اختلاف نظرهای جدی در میان اعضای «ستاد سازماندهی اقتصاد» است. به گفتهٔ وی، «با طرح دیدگاه‌های مختلف در نشست‌های ستاد ساماندهی اقتصادی، اختلاف نظرهایی دربارهٔ شیوهٔ کالبدشکافی مسایل اقتصادی بروز کرد و در نهایت به ارایهٔ راه حل‌های متسفاوت و تهییهٔ ۲ گزارش دربارهٔ ساماندهی اقتصادی انجامید». وی هیچ توضیحی در مورد مضمون این اختلافات دیدگاهی در اختیار خبرنگاران قرار نداد.

- میزان نقدینگی در کشور به بیش از ۱۲۴ هزار میلیارد ریال رسید!**

در حالی‌که کارخانه‌های تولیدی کشور، هم در بخش دولتی و هم خصوصی، یکی پس از دیگری به دلیل «کمبود نقدینگی» اعلام ورشکستگی می‌کنند، آمارهای منتشره در آخرین شمارهٔ نشریهٔ «نماگرهای اقتصادی»، بانک مرکزی حاکی از این است که میزان نقدینگی کشور تا پایان آذرماه سال ۷۶، به ۱۲۴ هزار میلیارد و ۴۲ میلیون ریال رسیده است! نکتهٔ جالب در آمار بانک مرکزی این است که سهم بخش دولتی در کل این حجم نجومی از نقدینگی تنها ۲۱ درصد (۲۶/۵ هزار میلیارد ریال) است که ۱۰ هزار میلیارد آن خالص دارایی‌های خارج کشور (با فرض این‌که همه متعلق به دولت باشد) و ۱۶/۵ هزار میلیارد آن سپرده‌های بانکی بخش دولتی در داخل کشور است. طبق گزارش بانک مرکزی، دولت ایران در مقابل این دارایی‌ها، ۵۵ هزار میلیارد ریال بدهی دارد! بانک مرکزی همچنین خالص دارایی‌های نظام بانکی کشور را در پایان آذر ماه گذشته حدود ۱۴ هزار میلیارد ریال و میزان بدهی‌های دولتی و غیردولتی به نظام بانکی کشور را بیش از ۱۴۵ هزار میلیارد ریال اعلام کرد که نسبت به آذر ماه سال ۷۵، رقمی نزدیک به ۲۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

- تعطیل نیمی از واحدهای تولیدی و صنعتی فارس به دلیل کمبود نقدینگی**

غلامرضا صحراپیان، استاندار فارس، اخیراً طی مصاحبه‌ای با روزنامهٔ محلی «نیم نگاه»، چاپ شیراز، اعلام کرد که ۵۰ درصد از واحدهای اقتصادی فارس به دلیل مشکلات بانکی، مدیریت‌ها و کمبود نقدینگی تعطیل شده‌اند. وی ضمن تأکید بر این مسأله که «مشکل فعلی صنایع داخلی ما مشکل نقدینگی است»، به حیف و میل سرمایه‌های موجود نیز اشاره کرد و گفت: «یکی از اشکالات عمده در ساخت کارگاه‌های جدید این است که به جای این‌که مدیران کارگاه به بخش اصلی تولید یعنی ساخت سالن تولید و نصب ماشین‌آلات بپردازند، بسیاری از سرمایه‌ها متأسفانه برای ساخت فواتر اداری، محوطه‌سازی و دیوارکشی صرف شده که گاهی موجب عدم رسیدن کارگاه به تولید شده است».

- ۸۵۰ میلیارد تومان کسری بودجه از طریق کاهش هزینه‌ها جبران می‌شود**

طبق گزارش روزنامهٔ «سلام» (۷ تیر ۷۷)، بر اساس پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه، از ۱۸۰۰ میلیارد تومان کسری بودجهٔ امسال کشور، ۸۵۰ میلیارد تومان از طریق کاستن هزینه‌ها و ۹۵۰ میلیارد تومان دیگر از طریق روش‌هایی چون فروش اوراق مشارکت جبران خواهد شد. دکتر محمدعلی نجفی، رییس سازمان برنامه و بودجه، ضمن اعلام این مسأله در جلسهٔ شورای اداری استان اصفهان، تأکید کرد که «اقتصاد کشور سال سختی را پیش روی دارد اما جای دلسردی، اضطراب و نگرانی نیست!» وی اضافه کرد: «برای دولت بسیار شکننده است که ۷۰ درصد درآمدهای آن مستقیم و یا غیرمستقیم وابسته به صادرات نفت باشد و چه بخواهیم و چه نخواهیم باید این دوران سخت را پشت سر بگذاریم». به گفتهٔ وی، دولت می‌کوشد که در سال جاری به یک «حداقل رشد توسعهٔ اقتصادی ۲ درصدی» برسد.

- امسال ۱۵۰ میلیون دلار صرف واردات گوشت قرمز و و خوراک دام می‌شود!**

محسن موحدیان، معاون بازرگانی و تنظیم بازار «شرکت پشتیبانی امور دام» وابسته به جهاد سازندگی، در شهر تبریز اعلام کرد که «امسال ۶۵۰ میلیون دلار اعتبار برای خرید انواع نهاده‌ها و فرآورده‌های دامی و پروتئینی از خارج صرف خواهد شد». وی در عین حال تأکید کرد که «این میزان در صورت نیاز تا ۸۰۰ میلیون دلار افزایش خواهد یافت». به گفتهٔ وی، «اعتبار مذکور صرف خرید حداقل سه میلیون تن نهاده، شامل ۱/۶ میلیون تن ذرت، ۵۰۰ هزار تن سویا، ۱۲۶ هزار تن پودر ماهی و مقادیری علوفهٔ دامی و ۲۷ هزار تن گوشت قرمز خواهد شد».

- ۷/۸ میلیون هکتار از جنگل‌های شمال ایران نابود شده است!**

مهندس انوشیروان نجفی، معاون محیط زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست، اخیراً اعلام کرد که «از حدود ۹ میلیون هکتار جنگل‌های شمال ایران، تنها حدود ۱/۲ میلیون هکتار باقی مانده است که آن هم شدیداً در معرض انواع تهدیدات قرار دارد». وی «ساخت و سازهای بی‌رویه» و «کاربری‌های غیرمجاز» را عامل اصلی تخریب جنگل‌های شمال ایران اعلام کرد.

زندانیان سیاسی درون و بیرون زندان‌های رژیم را آزاد کنید!

زمینه چینی نیروهای راست برای یورش به قانون کار (از صفحهٔ ۱)

بود که حامیان سیاست تعدیل اقتصادی را وادار به سکوت کرد و حتی اجرای برنامهٔ پنجسالهٔ دوم تعدیل را برای مدتی به تعویق انداخت. اما جناح های سرمایهٔ بزرگ درون حاکمیت هیچ گاه برنامهٔ یورش به قانون کار را از دستور کار خود خارج نکردند. آنها، در انتظار دستیابی به فرصتی مناسب تر برای تغییر این قانون، تنها تاکتیک خود را عوض کردند و تمرکز را روی سنگ اندازی در روند اجرای قانون کار قرار دادند. مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما طی چند سال گذشته لیریز از هزاران مورد از شکایات و اعتراضات آنان در مورد عدم رسیدگی مسؤولان دولتی وابسته به این جناح ها به تخلفات کارفرمایان از قانون کار است. اخراج های گستردهٔ غیرقانونی، جلوگیری از تشکیل شوراهای اسلامی کار در کارخانه ها و کارگاه هایی که مشمول قانون کار هستند، خودداری از پرداخت سهم بیمهٔ کارگران، عدم مراعات شرایط ایمنی و سلامتی در محیط کار، خودداری از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در بنگاه های تولیدی، تعطیل کارخانه ها و واحدهای تولیدی بدون داشتن مجوز پیش بینی شده در قانون کار، تحمیل قراردادهای موقت به کارگران، خودداری از پرداخت حقوق و مزایای کارگران، و بسیاری دیگر از تخلفات پنهان و آشکار کارفرمایان که هر روز ابعاد گسترده تری نیز به خود می گیرند، از نمونه هایی هستند که به گفتهٔ بسیاری از کارگران، مسؤولان دولتی از رسیدگی به آنها خودداری کرده یا نسبت به آنها بی تفاوتی نشان داده اند.

عکس العمل سریع و قاطع کارگران

مجموعهٔ این سوابق — از تلاش برای تحمیل پیش نویس قانون کار ارتجاعی توکلی گرفته تا یورش مستقیم جناح های حامی سرمایهٔ بزرگ به قانون کار در اوایل دههٔ هفتاد، و نزدیک به یک دهه تخلف آشکار کارفرمایان از اصول و مواد این قا ون و خودداری مسؤولان حکومتی از اجرای صحیح بی‌خدشهٔ آن — کارگران و زحمتکشان میهن ما را نسبت خطری که پیوسته قوانین جاری مدافع حقوق زحمتکشان را تهدید می کند، به شدت حساس ساخته است. عکس‌العمل سریع، قاطع و گستردهٔ کارگران میهن ما نسبت به زمزمه های اخیر در مورد تغییر قانون کار، نشانهٔ غیرقابل انکاری از آگاهی کارگران نسبت به این خطرات، و آمادگی آنها برای مبارزه در راه دفاع از دستاوردهای جنبش کارگری است.

بلافاصله پس از آغاز زمزمهٔ ضرورت تغییر قانون کار از سوی جناح های سرمایه بزرگ و «کارشناسان» وابسته به آنها، موجی از اعتراضات کارگری در سراسر کشور آغاز شد. در روز ۲۶ اردیبهشت، علیرضا محجوب، نمایندهٔ مجلس و دبیرکل خانهٔ کارگر، در جلسهٔ «کانون عالی شوراهای اسلامی کار»، ضمن اعلام این مسأله که «روزنامه هایی که این جنگ تبلیغاتی را به راه انداخته اند آبشخورشان معلوم است» هشدار داد: «من اعلام می کنم که اگر این جنگ توسط آنها متوقف نشود، ما ابزار بهتری برای مقابله با آنها داریم». وی از شوراهای اسلامی کار و مجامع کارگری خواست که فعالانه با تضعیف قانون کار برخورد کنند و در مقابل این مخالفت ها سکوت نکنند.

در روز ۲۸ اردیبهشت، کارگران و «شورای اسلامی کار واحدهای تولید و صنعتی فارس» با برگزاری جلسه ای به اظهار نظرهای انجام شده در مورد قانون کار به شدت انتقاد کردند. در این جلسه، «منصور مینویی»، دبیر اجرایی خانهٔ کارگر فارس، اعلام کرد که «قانون کار ثمرهٔ تلاش های خستگی ناپذیر دلسوختگان جامعهٔ کارگری است و با اجرای صحیح این قانون است که می‌توان به افزایش تولید و بهره‌وری امیدوار بود». در روز ۳۰ اردیبهشت، نمایندگان بیش از ۱۱۰ واحد تولیدی و صنعتی آذربایجان شرقی با ارسال نامه ای به رییس جمهور، نمایندگان مجلس و اعضای کمیسیون کار مجلس، اعتراض خود را نسبت به زمزمه های تغییر قانون کار اعلام کردند. آنها در این نامه، پس از تأکید بر این نکته که «قانون کار حاصل خون پاک شهدای گلگون کفن» انقلاب است، «زمزمه‌هایی که در جهت خدشه دار نمودن قانون کار به کار گرفته می شوند» را «اهانت آشکار و عیان به کارگران» دانستند و ضمن اعلام «مراتب انزجار خویش از چاپ چنین مطالبی»، خواستار برخورد رییس جمهور به کسانی شدند که «هنوز در جمهوری اسلامی به کارگران به دیدهٔ ابزار و وسیله می‌نگرند». نمایندهٔ کارگران آذربایجان غربی نیز که در جمع مدیران و نهادهای کارگری شهرستان مهاباد سخن می‌گفت، ضمن انتقاد از مخالفان قانون کار، گفت که آنها «اگر صادق هستند و صالح، از سوء استفاده های افراد از این قانون نیز سخن بگویند».

به دنبال این اعتراضات، موج گسترده ای از جلسات کارگران در اعتراض به مخالفان قانون کار برگزار گردید: «شوراهای اسلامی کار استان قزوین» در روز ۲ خرداد؛ «نمایندگان کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی استان قم» در روز ۶ خرداد؛ نمایندگان کارگران شهرستان های کاشان، نطنز، اران و بیدلگ در روز ۱۳ خرداد؛ «کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان» در روز ۱۹ خرداد؛ نمایندگان کارگری استان کرمانشاه در روز ۲۱ خرداد؛ نمایندگان کارگران کارخانجات مستقر در جادهٔ مخصوص کرج در روز ۲۱ خرداد؛ نمایندگان کارگران واحدهای تولید و صنعتی استان ایلام در روز ۲۷ خرداد؛ «کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران» در روز ۳۰ خرداد؛ و نمایندگان کارگری کارخانجات شهرستان های ابهر، خرمدره و استان زنجان در روز ۳۱ خرداد؛ با برگزاری اجتماعات وسیع، مراتب اعتراض خود را به زمزمهٔ یورش به قانون کار اعلام داشتند. این موج گستردهٔ اعتراضات کارگری بالاخره با برگزاری یک اجتماع عظیم از کارگران و نمایندگان آنان در «ورزشگاه «شهید معتمدی» تهران و صدور قطعنامهٔ ۱۱ ماده‌ای از سوی کارگران به اوج خود رسید. (گزارش این اجتماع کارگری به صورت جداگانه در این شمارهٔ «اخگر» آمده است.

نظرات اعلام شده از سوی کارگران در این اجتماعات به روشنی از درجهٔ آگاهی و هشیاری آنان نسبت به توطئه های ضدکارگری جناح های راست حکایت دارد. به عنوان مثال، روزنامهٔ «کار و کارگر» در ستون «نیم نگاه» خود از قول یک کارگر کرمانشاهی نوشت: «مخالفین قانون کار اگر در یک روز در هوای نمناک و غبارآلود رنگرزی های ... یا در اعماق زمین و معادن ... کار کرده [بودند] ... امروز بی محابا و بی انصافانه به قانون کار که تنها دلخوشی کارگراست حمله ور نمی شدند... آقایان مخالف قانون کار! بدانید که ما هم به تجدید نظر در برخی موارد ایمان داریم، اما نه به سود سرمایه دار، بلکه به سود کارگر و سرمایه گذار. شما تفاوت سرمایه داری وابسته و سرمایه گذار را نمی دانید و اگر جز این بود اینگونه قانون کار را سد سرمایه گذاری نمی‌دانستید.... اگر خواهان اقتصاد پویا و سالم هستید، بگردید به دنبال موانع اصلی، به دنبال سرمایه دارانی که با ارز مفت، کارخانه را برپا کرده رها کردند.... در نمونه ای دیگر، حسن صادقی، مسؤول «امور شهرستان های خانهٔ کارگر تشکیلات مرکز» در سخنرانی خود گفت: «بارها گفته ایم و باز هم خواهیم گفت که مشکل کارخانجات و اقتصاد کشور قانون کار نیست، مشکل جای دیگری است» و تصریح کرد: «آقایان مخالف قانون کار! چرا از ضعف مدیریت برخی از واحدها نمی‌گویید؟ چرا سوء استفادهٔ بعضی از آقایان کارفرما از مفاد قانون کار سخنی به میان نمی‌آورید؟... ما هم خواستار اصلاح قانون کار هستیم، بلی! اصلاح تبصره در مادهٔ ۲۷ قانون کار [مادهٔ مربوط به فسخ قرارداد کار کارگران — «اخگر»] جهت ایجاد انگیزه و عشق و علاقه در نزد کارگران برای تولید بهتر و کیفی تر...». نمایندهٔ کارگران «کاموای ایران و کاشان» نیز طی سخنانی گفت: «جای بسی تأسف است که قانون کار و کارگری که کار می کند تا زنده بماند و زیر

برنامهٔ اعلام شدهٔ وزیر کشور جدید

در رابطه با توسعهٔ سیاسی و اجتماعی کشور

متن زیر، طرح برنامهٔ پیشنهادی آقای «عبدالواحد موسوی لاری»، وزیر کشور جدید دولت آقای خاتمی است که در هنگام گرفتن رأی اعتماد از مجلس ارائه شده است. نظر به اهمیت این سند — هم از نظر برخی ابهامات نهفته در متن، و هم از نظر صراحت برخی از مواد آن که در گذشته نیز مبنای «استیضاح» آقای «عبدالله نوری» قرار گرفت و این بار نیز می تواند مبنای یورش جناح راست به آقای لاری قرار گیرد — متن آن را برای اطلاع خوانندگان «اخگر» درج می کنیم. به دلیل کمبود جا، بخش مقدمهٔ این سند حذف شده است.

الف – توسعهٔ سیاسی و گسترش مشارکت مردمی:

توسعهٔ سیاسی بر اساس اصول مترقی قانون اساسی یکی از مهم ترین مسؤولیت های وزارت کشور محسوب می شود. و این وزارت موظف است بر اساس قانون اساسی، رهنمودهای مقام معظم رهبری و برنامه های ریاست جمهوری به عنوان میثاق دولت و ملت، خواستهٔ مردم را محقق سازد. در این زمینه اقدامات ذیل مورد تأکید است:

۱– تحقق عملی تمامی ظرفیت های سیاسی نهفته در قانون اساسی با تأکید بر احترام به کرامت انسانی و تضمین حقوق و آزادی های مدنی شهروندان، از جمله آزادی بیان، تشکیل اجتماعات و ایجاد انجمن ها، مجامع و احزاب قانونی.

۲– اجرای قانون شوراها به منظور تحقق اصول صد تا یکصد و شش قانون اساسی.

۳– تقویت و تعمیق فرهنگ گفت و گو در جامعه و به رسمیت شناختن تنوع برداشت ها و نگرش ها در چارچوب قانون اساسی.

۴– تأکید بر تقویت التزام به اصل ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی حاکمیت ملی و تبلور پیوند مردم و رهبری.

۵– تکیه بر دو وجه اسلامیت و جمهوریت نظام به عنوان مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی.

۶– تأمین و تضمین برابری حقوق مردم، مشارکت و رأی همگانی.

۷– تقویت و تعمیق همبستگی و وفاق ملی میان گروه ها و اقوام ایرانی.

۸– آشناتر ساختن عموم ملت با حقوق و مطالبات قانونی و سیاسی خود و پرورش روحیهٔ احترام به قانون در جامعه.

۹– قانونمند کردن رقابت های سیاسی و ایجاد و تقویت نهادهای نظارت اجتماعی و سازمان های غیردولتی برای دفاع از حقوق عمومی.

۱۰– پاسداری از حقوق شهروندان در برابر خودسری و خشونت از یکسو و برخورد قانونی و قاطع با سوءاستفاده کنندگان از فضای امن جامعه و فعالیت های مخل به مبانی اسلام و حقوق مردم از سوی دیگر.

۱۱– افزایش کارآمدی و اقتدار دولت و پاسخگو بودن در برابر ملت از طریق ارتقای توانایی های اداری و مبارزه با فساد اداری در سراسر کشور و توجه به برنامه ها و مزیت های منطقه ای و بومی.

۱۲– تقویت مشارکت مردمی از طریق رفع موانع مشارکت مردم، تمرکز زدایی و ارتقاء رشد مدیریت های منطقه ای، محلی و ملی و تحقق اصل شایسته سالاری.

ب – توسعهٔ اجتماعی:

توسعهٔ اجتماعی همه جانبه، درون زا و پایدار در پرتو اجرای عدالت اسلامی و هویت‌مندی جامعه و رفتارهای جمعی بر اساس اصول و موازین اسلامی میسر است. در این چارچوب موارد زیر مورد تأکید وزارت کشور قرار خواهد داشت:

خط فقر است، این چنین مورد تهاجم آقایان به اصطلاح کارشناس قرار می‌گیرد»، و نمایندهٔ کارگران کارخانهٔ «محتشم کاشان» جان کلام کارگران را چنین بیان کرد: «چرا همیشهٔ خدا از سرمایه گذاران و مدیران دفاع می کند اما بهایی به کارگر و زحمات او داده نمی‌شود؟»

خطر بسیار جدی است!

اما، علی رغم سازماندهی اقدامات جدی اعتراضی از سوی جنبش کارگری کشور، قانون کار کنونی، که حتی از نظر کارگران و بسیاری از کارشناسان حقوق کارگری تنها یک «قانون حداقل» است و تهدیدی جدی برای منافع سرمایه داران در بر ندارد، اکنون در خطر قرار دارد و این خطر از چند جهت بسیار جدی است. نخست، یورش جدید به قانون کار در شرایطی سازمان داده می‌شود که اقتصاد کشور با رکود عمیق و همه جانبه مواجه است و درآمد سالانهٔ ارزی کشور از بابت نفت بیش از پنج میلیارد دلار سقوط کرده است. در چنین شرایطی، یورش برندگان به قانون کار توانسته اند توطئه های ضدکارگری خود را نه علناً به نام دفاع از برنامهٔ تعدیل اقتصادی که شکست آن اکنون بر همگان روشن شده است، بلکه زیر نقاب «دلسوزی برای تولید» و «کمک کارشناسانه به دولت خاتمی» به پیش برند. این تاکتیک مزورانه می تواند به گنجی ها و سردرگمی ها دامن زند و انگیزهٔ واقعی طراحان توطئه را از چشم ها پنهان دارد.

دوم، و از آن مهم تر، این واقعیت است که بخش بزرگی از یورش برندگان اولیه به قانون کار و مدافعان برنامه های تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی همچنان در کابینهٔ دولت آقای خاتمی و نهادهای اقتصادی وابسته به آن، مانند «ستاد ساماندهی اقتصاد کشور»، حضور دارند و می‌کوشند توطئه های خود را به طور خزنده از درون اردوگاه آقای خاتمی، و در صورت امکان، رسماً به نام دولت خاتمی به پیش برند. در این رابطه، شیوهٔ عملکرد این آقایان در «ستاد ساماندهی اقتصاد کشور»، که از سوی آقای خاتمی برای شالوده ریزی برنامهٔ اقتصادی دولت وی تشکیل شده است، بسیار گویا است. گزارش هایی که به طور پراکنده و ناقص در مورد روندهای درونی و تصمیمات «ستاد ساماندهی اقتصاد کشور» در مطبوعات مختلف منتشر می‌شود، همه حاکی از این است که این آقایان تاکنون کوشیده اند و همچنان می‌کوشند تا با قبضهٔ کامل «ستاد سازماندهی اقتصاد کشور»، آن را به «ستاد تعدیل و خصوصی سازی اقتصاد کشور» بدل سازند و از این راه برنامه های دیکته شده از سوی «صندوق بین المللی پول» را به نام دولت آقای خاتمی ثبت کنند و به پیش برند. این آقایان، بدون مشورت با نهادهای مختلف دولتی و مردمی به ویژه کارگری؛ بدون نظرخواهی از کارشناسان مختلف اقتصادی؛ بدون بررسی همه جانبهٔ علل رکود اقتصادی و ورشکستگی گستردهٔ واحدهای تولیدی در کشور؛ بدون بررسی نقش قوانین و سیاست های مالی، ارزی، بانکی موجود؛ بدون بررسی اثرات تمرکز عظیم نقدینگی در دست سرمایهٔ بزرگ تجاری، ساختار مالیات ها، نرخ بهرهٔ

۱– فراهم آوردن فرصت و زمینهٔ بروز و ظهور هویت اجتماعی و رفتار مدنی متناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی.

۲– ارتقای منزلت و سطح مشارکت زنان در عرصه های گوناگون اجتماعی و فراهم آوردن زمینه ها و فرصت های عملی برای تقویت بنیان خانواده و دفاع قانونمند از حقوق اجتماعی زنان.

۳– اهتمام خاص به نقش و نیازها و توانمندی های نسل جوان و تأمین شرایط دسترسی آنان به فرصت ها و امکانات اجتماعی.

ج – امنیت کشور:

وزارت کشور به اعتبار مسؤولیت قانونی خود در قبال امنیت جانی و مالی مردم، لازم است با اتخاذ روش ها و راهکارهای مناسب، زمینهٔ امنیت شهروندان را فراهم نماید.

۱– ریشه دار کردن و گسترش امنیت از طریق حمایت از حقوق فردی و اجتماعی و تقویت حس اقتدار دولت و اتکاء هر ایرانی وفادار به نظام و دوستدار ایران به آن.

۲– تأکید بر ضرورت بهره مندی مؤثر از ذخایر اجتماعی دارای اولویت در انقلاب اسلامی، از جمله نیروهای نظامی و انتظامی و بسیجیان فداکار برای ایجاد شرایط مطمئن و با ثبات اجتماعی.

۳– تلاش برای ایجاد هماهنگی کامل در سیاست های امنیتی و انتظامی و قضایی.

۴– بهره گیری کامل از سرمایهٔ عظیم و کارآمد مردم در تأمین امنیت ملی و محلی.

۵– حداکثر استفاده از توان و نیروی انتظامی در برخورد قانونی با متخلفین و مبارزه با مفاسد اجتماعی و مواد مخدر.

۶– آموزش و توجیه مداوم مردم و پرسنل نیروی انتظامی و ایجاد همدلی و همراهی بین آنان.

۷– تجهیز نیروی انتظامی به امکانات و سیستم های مدرن که متضمن کمترین دخالت در زندگی خصوص مردم باشد.

۸– مبارزه با مفاسد اجتماعی و برنامه ریزی درازمدت برای ریشه کن کردن آن.

۹– تضمین نظم و رعایت قانون در اجتماع و برخورد با قانون شکنان.

۱۰– نظارت بر عملکرد نهادهای مدنی و برخورد قانونی با تخلفات آنها.

د – عمران و توسعهٔ شهری:

در حال حاضر، وزارت کشور به عنوان قائم مقام شورای شهر نقش سازماندهی و کنترل مدیریت عمران شهری را برعهده دارد که امید است با برگزاری هرچه زودتر انتخابات شوراهای شهر و روستا، این نقش به خود مردم واگذار شود. تا آن زمان، وزارت کشور خود را موظف به انجام تکالیف زیر می‌داند:

۱– نظارت بر مدیریت شهری به منظور حاکمیت کامل قانون.

۲– ایجاد هماهنگی بین تمامی نهادهای دخیل در مدیریت شهری.

۳– تلاش برای رفع مشکلات شهرنشینی از طریق بازنگری در مقررات و قوانین مربوطه.

۴– مدون نمودن ضوابط نوسازی شهری.

۵– قانونمند کردن ساخت و سازهای شهری با تأکید بر ویژگی های معماری اسلامی- ایرانی و رعایت ضوابط فقهی و حفظ حریم و حیا و بازآفرینی سنتهای اصلی و مطلوب فرهنگ بومی.

۶– برنامه ریزی در جهت کاهش زیان های ناشی از حوادث غیرمترقبه. ■

بانکی، واردات بی‌رویهٔ کالاهای خارجی و صدها عامل دیگر؛ و از همه مهم تر، بدون سازماندهی هیچ بحث عمومی در سطح کشور در رابطه با مسایل و مشکلات موجود اقتصادی، طرحی برای ساماندهی اقتصاد کشور پیشنهاد کرده‌اند که مبنای اصلی آن را یورش به قانون کار و حتی تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی در رابطه با ساختار اقتصادی کشور تشکیل می‌دهد! این اقدام توطئه‌گران از هم اکنون باعث ایجاد شکاف در «ستاد ساماندهی اقتصاد کشور» شده است و بخشی از اعضای این ستاد را به ارائهٔ پیشنهادات جداگانه ای برای ساماندهی اوضاع اقتصادی کشور وادار نموده است.

سوم، به طور همزمان با این توطئهٔ درونی، جناح راست مدافع سرمایهٔ بزرگ تجاری نیز در کالبد «اتاق بازرگانی»، که در تبول تجار پرنفوذی چون عسگراولادی ها و سران «مؤتلفهٔ اسلامی» است، طرحی برای ساماندهی اقتصاد کشور ارائه کرده است که پایهٔ اصلی آن را احیای پیش نویس قانون کار ارتجاعی توکلی، و تقسیمبر رابطهٔ کارگر و کارفرما به یک رابطهٔ «استیجاری»، تشکیل می‌دهد. این آقایان نیز اکنون با توطئه گران درونی همصدا شده‌اند و تغییر قانون کار را طلب می‌کنند.

مجموعهٔ این عوامل نشان می‌دهد که یک هماهنگی پنهانی و اعلام نشده میان نمایندگان دو جناح سرمایهٔ بزرگ تجاری و سرمایهٔ بوروکراتیک دولتی، اولی از بیرون و دومی از درون اردوگاه آقای خاتمی، علیه تعهدات اقتصادی وی به مردم، یعنی تضمین رشد اقتصادی همه جانبه و مبتنی بر عدالت اجتماعی، به سرعت در حال شکل گیری است. برای این دو جناح، قانون کار اولین و مهم ترین خاکریزی است که باید برای پیشبرد برنامه هایشان فتح شود. موفقیت این ائتلاف شوم در تغییر قانون کار، که تنها گام اول در جهت تحمیل برنامه های اقتصادی آنان به دولت آقای خاتمی خواهد بود، می‌تواند پیامدهای بسیار ناگوار اقتصادی و سیاسی برای مردم میهن ما و به ویژه دولت آقای خاتمی به بار آورد.

بدون تردید، اولین پیامد تغییر قانون کار به دست جناح های سرمایهٔ بزرگ اما به نام دولت آقای خاتمی، منزوی شدن دولت خاتمی در میان کارگران و زحمتکشان میهن، که پایگاه اصلی قدرت اجتماعی آن را تشکیل می‌دهند خواهد بود. تضعیف پایگاه اجتماعی دولت آقای خاتمی آنگاه به جناح های راست امکان خواهد داد تا با وارد آوردن ضربهٔ مشترک نهایی، بر روندی که در روز دوم خرداد با انتخاب آقای خاتمی در میهن ما آغاز شد، برای همیشه نقطهٔ پایان بگذارند و ختم آن را اعلام کنند.

به همین دلیل است که ما خطر این یورش تازه به قانون کار را نه فقط متوجه کارگران و روند توسعهٔ اقتصادی کشور، بلکه متوجه همهٔ مردم میهن و روند توسعهٔ سیاسی آغاز شده توسط آقای خاتمی ارزیابی می‌کنیم. ختنی کردن این توطئه فقط وظیفهٔ طبقهٔ کارگر ایران، و از آن مهم تر، در توان این طبقه به تنهایی، نیست. وظیفهٔ تاریخی و منافع همهٔ نیروهای مردمی و پیشرو ایران حکم می‌کند که برای ختنی کردن این توطئه خطرناک، در اسرع وقت به یاری طبقهٔ کارگر ایران در دفاع از حقوق خود بشتابند. ■

کسانی که کارگران را مضروب می کنند باید محاکمه و مجازات شوند!

طبق گزارش جراید، در اوایل خردادماه سال جاری «مرتضی ریحانیان»، دبیر اجرایی خانهٔ کارگر و مدیر «اتحادیهٔ اسکان» واحد زنجان، به دست «بهرام شهبازی»، رییس دفتر مدیرعامل سازمان برق منطقه ای زنجان، به شدت مضروب شد و روانهٔ بیمارستان گردید. طبق گزارش خبرنگار «کار و کارگر» از زنجان، شدت جراحات «ریحانی» به حدی بوده است که او را بلافاصله به تهران منتقل کرده و در بیمارستان «دی» تحت عمل جراحی قرار داده اند.

«کار و کارگر» می نویسد: «گفته می شود مرتضی ریحا نیان که روز چهارشنبه ۷۷/۳/۶ به منظور حل مشکلات برق شهرک کارگرنشین امیرکبیر زنجان قصد ملاقات با مدیرعامل شرکت برق منطقه ای را داشت، توسط مسؤول دفتر وی مورد حمله قرار گرفته است. وی که در مرکز فوریت های پزشکی بیمارستان شفیعیه زنجان بستری بود به خبرنگار روزنامهٔ کار و کارگر گفت: به دنبال قطع چند روزهٔ برق شهرک کارگری امیرکبیر و اعتراض ساکنین این شهرک جهت رفع مشکل با مدیرعامل برق منطقه ای زنجان به این اداره مراجعه کرده بودم... تعدادی از کارگران شهرک که قصد داشتند خودشان جهت اعتراض به ادارهٔ برق مراجعه نمایند با درخواست اینجانب از این کار منصرف شدند... بعد از این که مورد ضرب و شتم قرار گرفتم، به کمک چند نفر و در حالی که از شدت درد به خود می پیچیدم، با آقای مهندس ... (مدیرعامل برق منطقه ای زنجان) روبرو شده و ماجرا را تعریف کردم که ایشان در جواب خیلی خونسرد گفتند، امور حقوقی اداره موضوع را پیگیری خواهد کرد».

«کار و کارگر» در پایان این گزارش می نویسد: «بر اساس یک گزارش موثق برق شهرک کارگر نشین امیرکبیر در زنجان وصل شده و گفته می شود که عاملان ضرب و شتم نمایندهٔ کارگران، مسؤولین شرکت برق منطقه ای زنجان، از خوف وضعیت وی در صدد پرونده سازی علیه نامبرده هستند».

این عمل ضدانسانی و ضدکارگری مسؤولان شرکت منطقه ای برق زنجان مورد اعتراض شدید کارگران این استان قرار گرفته است. طبق گزارش نشریهٔ «کار و کارگر» (۱۸ خرداد)، جامعهٔ کارگری شهرستان «خرمدره» ضرب و شتم دبیر خانهٔ کارگرنزنجان را محکوم کرده و کربمی، نمایندهٔ کارگران این شهرستان، در جلسهٔ اخیر خانهٔ کارگر این شهرستان «خواستار برخورد قاطع مقامات قضایی با عاملان این حادثه» شده است. همچنین، شوراهای اسلامی کار واحدهای تولیدی و صنعتی استان زنجان، با امضای

اعتراضات گستردهٔ کارگری همچنان ادامه دارد!

در ماه گذشته نیز اعتراضات کارگری نسبت به عدم پرداخت حقوق، تعطیل کارخانه ها و اخراج های روزافزون، جلوگیری از فروش سهام به کارگران، و پیمانال شدن دیگرحق قانونی آنها، ادامه یافت. ما ضمن حمایت قاطع از مبارزات کارگران، به انعکاس برخی از این اعتراضات می پردازیم.

● **تحصن کارگران کارخانه نساجی سمنان:**
با تعطیل شدن کارخانه نساجی سمنان، ۳۰۰ کارگر دیگر به صف بیکاران پیوستند. کارگران این کارخانه که از اردیبهشت ماه حقوق خود را نیز دریافت نکرده اند، در پایان اولین هفته تیرماه وقتی صبح به کارخانه آمدند با درهای قفل شده کارخانه روبرو شدند. مدیریت کارخانه از ابتدای سال جاری کارخانه را منحل اعلام کرده بود. با این وجود کارگران با تلاش زیاد مانع متوقف شدن تولید و بسته شدن کارخانه بودند.کارگران در اعتراض به تعطیل کارخانه و عدم دریافت حقوق معوقه خود در ادارهٔ کار و امور اجتماعی به تحصن نشستند.

● **تجمع کارگران کارخانهٔ پاکریس:**
کارگران کارخانهٔ پاکریس سمنان به دلیل عدم پذیرش رییس شورای اسلامی کار کارخانه از طرف مدیر عامل دست از کار کشیده و در مقابل فرمانداری سمنان جمع شدند. مدیر عامل کارخانه درخواست کارگران را غیرقانونی خوانده و از قبول نتیجهٔ انتخابات شورای اسلامی کارگران سرباز زده است. یکی از مسؤولان فرمانداری سمنان به کارگران قول داده که به خواست آنها رسیدگی خواهد شد. اعتراضات جمعی کارگران در این رابطه از اوایل خرداد شروع شده است و ظاهراً مراجعات مکرر دسته جمعی آنها به ادارهٔ کار شهر سمنان و بخشداری تاکنون نتیجه ای نداده است. در طول این مدت کارگران بارها دست از کار کشیده و اعلام کرده اند که تا زمان به رسمیت شناخته شدن شورای خود از طرف مدیریت کارخانه، به اقدامات اعتراضی ادامه خواهند داد.

● **تجمع رانندگان تریلر و کامیون وزارت نفت:**
روز شنبه ۱۶ خرداد ماه، رانندگان تریلر و کامیون شرکت نفت در اعتراض به دستمزد و قرارداد کار خود در مقابل ساختمان شرکت نفت دست به تظاهرات زدند. یکی از رانندگان به خبرنگاران گفت: «در حال حاضر نرخی که شرکت بابت حمل و نقل کالا و تجهیزات صنعت نفت به ما پرداخت می کند ۴۵ درصد زیر قیمت رایج در کشور است.» گرانی لوازم یدکی و عدم همکاری شرکت نفت برای تعمیر وسایط نقلیه نیز از دیگر مشکلات رانندگان مزبور است. همچنین، به گفتهٔ آنها، «در قراردادهای منعقد شده زمانی برای مرخصی رانندگان منظور نشده است و به همین دلیل زمان مورد نیاز برای انجام تعمیرات وسایط نقلیه یا مرخصی رانندگان، بدهی آنها محسوب می شود.»

● **تجمع کارگران قند بیستون:**
کارگران کارخانهٔ قند بیستون کرمانشاه برای افزایش دستمزد دست به تظاهرات زدند. بی اعتنایی مدیرعامل کارخانهٔ قند به خواسته های کارگران در رابطه با افزایش حقوق، استخدام کارگران بومی و استفاده از خانه های سازمانی و زمین، باعث این اقدام اعتراضی کارگران گردید. کارگران در شعارهای خود از جمله خواهان برکناری مدیرعامل شدند. گسترش تظاهرات کارگران، مدیرعامل را مجبور کرد تا با تعهد به انجام خواسته های کارگران، آنها را به کار بازگرداند.

● **نامه اعتراضی کارگران شرکت سالمین:**
کارگران شرکت سالمین به دلیل عدم واگذاری ۲۳ درصد از سهام کارخانه به کارگران، دست به نوشتن یک نامهٔ اعتراضی زدند. در نامهٔ کارگران گفته شده است: «پس از سه سال پیگیری نمایندگان کارگری شرکت پیرامون وضعیت سهام کارگری این واحد، هنوز از دریافت حق قانونی خود محروم مانده ایم.» طبق گزارش روزنامهٔ «کار و کارگر»، «شرکت سالمین تحت پوشش بانک تجارت بوده که توسط شرکت سرمایه گذاری شاهد خریداری شده است بدون آنکه وضعیت ۳۳ درصد سهام کارگری این شرکت مشخص گردد.»

● **اعتراض بیش از ۱۰۰ کارگر پتروشیمی:**
عده ای از کارگران پتروشیمی «بندر امام خمینی» به دلیل عدم دریافت حقوق چند ماهه و اخراج خود به عنوان کارگران قراردادی، ضمن تاسا با روزنامهٔ «سلام» به عدم رسیدگی مسؤولان به مشکلاتشان اعتراض کردند. جواد خاکسار، رییس امور خدماتی و پشتیبانی شرکت رامپکو، مستقر در «بندر امام»، ضمن تأیید اعتراض کارگران، گفت: «قرارداد قبلی شرکت رامپکو با پتروشیمی بندر امام از تاریخ

کسانی که کارگران را مضروب می کنند باید محاکمه و مجازات شوند!

طوماری خطاب به استاندار زنجان، ضمن محکوم کردن این عمل خواستار رسیدگی مسؤولان به این موضوع و برخورد جدی با عامل و یا عاملان ضرب و شتم نمایندهٔ کارگران زنجان شده اند. در طومار امضاء شده توسط کارگران استان زنجان از جمله آمده است:

« احتراماً به استحضار می رساند آقای مرتضی ریحا نیان مدیریت محترم اتحادیهٔ اسکان و دبیر اجرایی خانهٔ کارگر زنجان که یکی از دلسوزان و پرچمداران به حق کارگران، علی الخصوص در حل معضل مسکن ایشان می باشد، چندی پیش ... از سوی آقای بهرام شهبازی، مسؤول دفتر مدیرکل مربوطه مورد ضرب و شتم قرار گرفته. حال این سؤال برای ما مطرح می شود: آیا [با] ... هرکسی در مسایل مربوط به کارگران و زحمتکشان استان، این زحمتکشان و گردانندگان چرخه های اقتصادی کشور، همان اشخاصی که با حضور خود در انتخابات ۱۳۷۶ باری دیگر ... با شرکت در صحنه به تأیید آرمانهای اسلامی که که پشتیبانی کار و کارگری و گردانندهٔ اساسی اقتصاد کشور است، این گونه باید برخورد شود؟ امضاء کنندگان ذیل: شوراهای اسلامی کار استان، نمایندگان رسمی کارگران کارخانجات، فرماندهان پایگاه های بسیج کارگری، رابطین کار واحدها و کارگران استان، نسبت به این امر قبیح اعتراض نموده، تقاضای فرجام به این حرکت غیرانسانی و اجتماعی را می نماید».

در اینجا تأکید بر دو نکته را ضرور می دانیم: نخست آن که، روشن نیست چرا روزنامهٔ «کار و کارگر»، که خود را مدافع حقوق کارگران می داند، از افشای نام مدیرکل سازمان برق منطقه ای زنجان، که با برخورد خود نشان داده است برای حقوق کارگران کمترین ارزشی قابل نیست، خودداری کرده و برای چنین شخصی به اصطلاح «آبروداری» کرده است. آیا ایشان نیز از گروه «از ما بهتران»، و از همان ارتجاعیون «خودی» هستند که نباید نامشان فاش شود؟

دوم، رییس دفتر مدیرعامل سازمان برق منطقه ای زنجان یک مسؤول دولتی است و به همین دلیل این مسأله نه یک جرم خصوصی بلکه حمله ای مستقیم از سوی مسؤولان دولتی به کارگران محسوب می شود. در نتیجه، انتظار جدی می رود که دولت منتخب ۲۰ میلیون مردم ایران چنین مسؤولانی را که، به نظر ما کاملاً آگاهانه، با حمله به کارگران و ضرب و شتم نمایندگان آنان زمینهٔ رویارویی کارگران را با دولت آقای خاتمی به وجود می آورند، در اسرع وقت محاکمه کند و به اشدّ به مجازات برساند! ■

اعتراضات گستردهٔ کارگری همچنان ادامه دارد!

۷۷/۱/۳۱ به پایان رسیده و بر اساس قرارداد جدید ما با این مجتمع به ناجر یک سری از کارگران قراردادی از رامپکو جدا شده و باید تحت پوشش دیگر شرکت ها قرار گیرند... مجتمع پتروشیمی بندر امام وظیفه دارد این کارگران را تحت پوشش خود و با شرکت های پیمانکاری درآورد... این کارگران دارای تخصص درصنعت پتروشیمی و بسیار ماهر بوده و مجتمع پتروشیمی بندر امام به آنان نیاز مبرم دارد.» نکته قابل توجه این که روابط عمومی مجتمع طی نامه‌ای به روزنامهٔ «سلام»، با تأکید بسیار، کلیهٔ اخبار مندرج در این رابطه را تکذیب کرده است!! این در حالی است که این روزنامه در شماره های خرداد و تیر خود مکرراً از حل نشدن مشکلات کارگران این مجتمع گزارش هایی به اشکال مختلف منتشر کرده است. از جمله، کارگران بارها تأکید کرده اند که مراجعهٔ چندین بارهٔ آنها به مهندس نعمت زاده، مدیر عامل جدید مجتمع، علیرغم وعده های داده شده تا به حال کمکی به حل مشکلات آنها نکرده است.

● **نامهٔ اعتراضی کارگران شرکت ایران مفید:**
تعدادی از کارگران شرکت ایران مفید واقع در جادهٔ ساوه با ارسال نامه ای به روزنامهٔ «کار و کارگر» به تعطیلی کارخانه و بلاکیزی خود اعتراض کرده اند.کارگران این کارخانه بیش از ۵ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و کسی به وضع آنها رسیدگی نکرده است. مدیریت کارخانه، علیرغم حکم هیأت حل اختلاف مبنی بر بازگشت کارگران به کار و پرداخت حقوق آنها، همچنان از ادامهٔ فعالیت کارخانه جلوگیری می کند و در مورد پرداخت حقوق کارگران حاضر به اقدامی نیست. همهٔ کارگران نامبرده متأهل هستند.

چه کسانی زحمتکشان را سرکیشه می کنند؟
«خانه بی خانه!»
«تعاونی مسکن نیروی دریایی در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۱۸ با صدور بخشنامه ای اعضای تعاونی مسکن را جهت خرید قطعه ای زمین ... دعوت به همکاری نمود. در این بخشنامه آمده بود که در ازای پرداخت نهایی هفت میلیون ریال، ۷۰۰ هزار تومان به ارزش آن روز، به هریک از اعضاء ظرف ۲ الی ۳ سال ویلای ۲۰۰ متری تحویل داده می شود و مبلغ اولیه را ۱۳۵ هزار تومان ... در نظر گرفته بودند. در پی این بخشنامه، ۳۰۰ نفر از اقشار حقوق بگیر و کم درآمد نیروی دریایی که جملگی فاقد مسکن بوده و هنوز هم هستند، مبلغ اولیه را پرداخت کردند و در این پروژه شرکت نمودند.»
«اکنون که با شما درد دل می کنم، ۱۱ سال از آن روز گذشته است و تعاونی مسکن نیروی دریایی آخرین قسط (هفت میلیون ریال) قیمت نهایی ویلای تکمیل شده در قرارداد سال ۱۳۷۳ را دریافت کرد. اما نه تنها ویلایی ساخته نشده، بلکه ... مسؤول تعاونی نیروی دریایی بعد از ۷-۸ سال سرگردانی اعضای ای جهت عضویت در این پروژه اموال و داشته های خود را به معرض فروش گذاشتند، اعلام کرد که قادر به ساخت ویلا و انجام تعهد خود نیست...».
«با مراجعات مکرر به تعاونی مسکن نیروی دریایی، عنوان شد فردی که از طرف تعاونی وکالت داشته تا زمین را بفروشد، نصف زمین را به نیروی انتظامی فروخته، اما بعداً کلاهبردار از آب درآمد...».
«حالا ما مانده ایم و زمینی که نصف آن مربوط به ما می باشد و نصف دیگر مربوط به نیروی انتظامی و پولی که هنوز سه میلیون تومان آن را طلبکاریم. خواهشمندیم با درج این شکوایت، صدای ما را به گوش مسؤولان محترم برسانید، بدان امید که به داد ما برسند.».
امضاء محظوظ
(«سلام»، ۱۲ خرداد ۱۳۷۷)

اخبار زحمتکشان

- حداقل حقوق مستمری بگیران تأمین اجتماعی برای سال جاری تعیین شد**

طبق گزارش روزنامهٔ «کار و کارگر»، «شورای عالی کار» طی مصوبه ای حداقل دستمزد روزانهٔ یک کارگر عادی را از اول فروردین ماه سال جاری، ۱۰ هزار و ۵۱ ریال تعیین کرده است. «سازمان تأمین اجتماعی» نیز طبق مادهٔ ۱۱۱ قانون کار، مبنی بر این که مستمری از کار افتادگی کلی و بازنشستگی و مجموع مستمری بازماندگان در هر حال نباید از حداقل مزد کارگر عادی کمتر باشد، میزان حقوق مستمری بگیران زیر پوشش خود را از همان تاریخ به مبلغ ۳۰۱ هزار و پانصد و سی ریال در سال افزایش داده است. طبق گزارش «کار و کارگر»، این سازمان به پیروی از مصوبهٔ هیأت وزیران میزان کمک عائله مندی را ۵۰ هزار و چهارصد ریال در ماه، و کمک هزینهٔ اولاد بابت هر فرزند را ۱۰ هزار و ۸۰ ریال تعیین کرده است که حداکثر تا سه فرزند قابل پرداخت خواهد بود.

- قراردادهای موقت کار مشمول مزایای مندرج در قانون کار هستند**

به دنبال اعتراضات شدید جامعهٔ کارگری کشور به بخشنامهٔ قراردادهای موقت کار و سوء استفادهٔ کارفرمایان از این قرارداده‌ا، وزارت کار و امور اجتماعی بالاخره ناچار شد که قراردادهای موقت کار را نیز مشمول مزایای مقرر در قانون کار اعلام کند. «حسین کمالی»، وزیر کار و امور اجتماعی، در دیداری که برای بررسی مشکلات واحدهای تولیدی و خدماتی، با اعضای هیأت مدیرهٔ «کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران» داشت، به آنان اعلام کرد که «تمام مزایای مقرر در قانون برای کارگران تابع قراردادهای موقت باید به آنها اعط شود و بازرسان کار موظفند با بررسی موارد تخلف، متخلفان را به مراجع قانونی معرفی کنند». وی در این دیدار همچنین در مورد مشکلات موجود در اجرای آرای هیأت های تشخیص حل اختلاف میان کارگران و کارفرمایان گفت: «وزارت کار و امور اجتماعی و قوهٔ قضائیه مسؤول اجرای قانون کار هستند و با مذاکرات انجام شده، مسؤولان دستگاه قضایی برای همکاری در این زمینه قول مساعد داده اند.» «کمالی» بدین ترتیب به طور ضمنی به کارگران گفت که قوهٔ قضائیه در امر احقاق حقوق آنها کارشکنی می کند.

- «شرکت پشتیبانی امور دام» از خرید جو کشاورزان خودداری می کند**

«شرکت پشتیبانی امور دام» وابسته به «سازمان جهاد سازندگی»، با خودداری از خرید یک سوم محصول جو کشاورزان قم به قیمت تضمینی، آنان را وادار ساخته است که محصولات خود را حدود ۲۰ درصد کمتر از ارزش واقعی به دلالت و سلفخران بفروشند. به گفتهٔ یکی از کشاورزان، محصول جو برخلاف گندم باید به موقع برداشت شود و اکثر کشاورزان، که به علت نداشتن مکان مناسب قادر به نگهداری محصول خود نیستند، ناچارند تسلیم دلالت سودجو شوند. کشاورزان منطقه علت اصلی خودداری «شرکت پشتیبانی امور دام» از خرید محصولات خود را «ورود بی رویهٔ جو از خارج» توسط «سازمان جهاد سازندگی» می دانند. مدیرکل امور کشت و صنعت وزارت کشاورزی نیز اخیراً اعلام کرد که در استان خوزستان ۶۰ درصد سود بخش کشاورزی نصیب دلالت و واسطه ها می شود.

- گذرگاه های بجنورد از گندم و جو انباشته شده است!**

طبق گزارش روزنامهٔ «همشهری» (۱۶ تیر)، از اواخر خرداد که برداشت گندم در مناطق روستایی بجنورد آغاز شده است، «گذرگاه های عمومی روستاهای این منطقه مملو از گندم و جو شده و کشاورزان در حمل محصول خود به سیلوهای شهرستان ناتوانند). بنا بر گزارش این نشریه، تولیدات کشاورزان در بعضی از مناطق به دلیل هجوم پرندگان و برخی دیگر از حیوانات با ضایعات زیاد همراه شده است و خطر این می رود که در صورت بارندگی، همهٔ محصولات انبار شده در گذرگاه ها از بین برود. «همشهری»، به نقل از معاون بخشداری منطقهٔ «مانه» و «سلمقان» می نویسد: «کامیون های باری بزرگ، کرایه های بالایی را برای حمل محصول خود طلب می کنند و در هنگام تحویل گندم نیز ساعت ها باید در نوبت قرار بگیرند». این توضیح تولیدات داخلی کشاورزی در شرایطی انجام می گیرد که تنها در سال ۷۶، دولت به منظور برآورده کردن نیاز کشور، ۶/۶ میلیون تن گندم وارد کرده است!

- تشکیل کمیته برای رسیدگی به اخراج کارگران کارخانه های کاشان**

در پی تعطیل تعدادی از واحدهای تولیدی در کاشان، بیش از هزار نفر از کارگران شاغل در این واحدها اخراج شدند. کارگران اخراجی برای رسیدگی به وضع خود به اقدامات مختلف اعتراضی مانند نوشتن نامه به مقامات مسوول و مراجعه حضوری به تعدادی از آن ها دست زدند. وضع بسیار دشوار کارگران به ویژه عدم دریافت دستمزد برای ماه ها، و گسترده ترشدن اقدامات اعتراضی شان باعث شد تا مسؤولان به فکر چاره ای بیافتند. به همین دلیل در جلسهٔ اخیر شورای اجتماعی شهر کاشان، به پیشنهاد امام جمعهٔ شهر کمیته ای برای بررسی علل تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران تشکیل شد. کارگران سوء استفاده مدیران کارخانه ها را عمده ترین عامل وضع بحرانی مراکز تولیدی کاشان می دانند.

- از نظر محرومیت، خوزستان در سطح کشور مقام اول را دارد!**

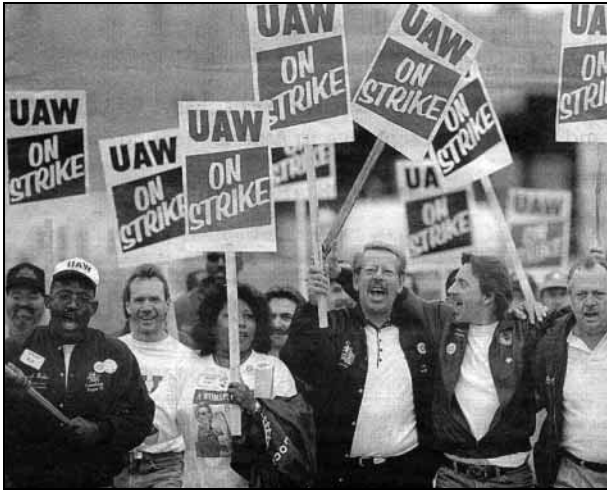
«جعفر حجازی»، معاون عمرانی استاندار خوزستان، اخیراً در جلسهٔ «کمیسیون ویژهٔ مناطق محروم» این استان اعلام کرد که خوزستان از نظر محرومیت در ایران در جایگاه اول قرار دارد. به گفتهٔ «حجازی»، از ۹۴۱ روستای خوزستان فاقد «یک یا چند مورد از امکانات زیربنایی از قبیل آب، برق، مدرسه» هستند. وی، تعداد روستاهای محروم این استان در سال گذشته را ۱۱۱۴ اعلام کرد. «حجازی»، ضمن تأکید بر این که «اولویت در وهلهٔ اول با تکمیل کارهای نیمه تمام است» گفت: «مبلغ ۱۹۵ میلیارد ریال برای اجرای طرح های این چنینی در اختیار ریاست جمهور و دفتر مناطق محروم کشور قرار دارد که می توان سهم عمده ای از آن را جذب خوزستان کرد». وی تأکید کرد که «فرمانداران از طریق نمایندگان خود در مجلس ... باید تلاش کنند تا بخشی از این اعتبار به خوزستان اختصاص یابد».

تشکیل سندیکا‌های مستقل کارگری اولین گام در راه آزادی، و مبارزهٔ قاطع با گرانی و بیکاری اولین گام در راه عدالت اجتماعی است!

موج عظیم اعتصاب های کارگری جهان سرمایه داری را فراگرفته است!

آمریکا:

کارگران اعتصابی «جنرال موتورز» خطوط تولید این شرکت را به مرز تعطیل کشانده اند



روز ۱۲ ژوئن، حدود ۹ هزار کارگر خط تولید قطعات اتومبیل شرکت «جنرال موتورز» واقع در شهر «فلینت» در ایالت میشیگان، در اعتراض به شرایط قرارداد کار خود و همچنین تعطیل خطوط تولید این شرکت در آمریکا و انتقال آنها به کشورهای دیگر، از جمله به مکزیک، دست به اعتصاب زدند و کارخانه را به تعطیل کشانند. دو سال پیش، شرکت «جنرال موتورز» با گرفتن امتیازاتی از کارگران، تعهد کرده بود که از تعطیل خطوط تولید «فلینت» و انتقال آن ها به کشورهای دیگر خودداری کند. اما علی رغم این تعهدات، مدیریت این شرکت اخیراً اعلام کرد که قصد دارد طی سال های آینده ۵۰ هزار نفر از نیروی کار خود را کاهش دهد و بسیاری از خطوط تولید خود را به کشورهای دیگر منتقل نماید.

از آنجا که قطعات تولید شده در «فلینت» در همه خطوط تولید شرکت «جنرال موتورز» در آمریکا و کانادا مورد استفاده قرار می گیرد، اعتصاب کارگران کارخانه «فلینت» به سرعت بر دیگر کارخانه های این شرکت در سراسر آمریکا و کانادا تأثیر گذارد و آن ها را نیز به تعطیل کشاند. تاکنون، بر اثر این اعتصاب، شرکت «جنرال موتورز» ناچار شده است ۲۷ کارخانه از ۲۹ واحد تولیدی خود در آمریکا و کانادا را تعطیل کند و ۱۶۰ هزار کارگر در آمریکا و بیش از ۱۱ هزار کارگر در کانادا را به خانه های خود بفرستد. طبق محاسبات انجام شده، در طول یک ماه گذشته شرکت «جنرال موتورز» نزدیک به دو میلیارد دلار متضرر شده و بخشی از بازار خود را در برابر رقبای بزرگی چون «فورد» و «کرایسلر» از دست داده است.

در این مدت مدیریت «جنرال موتورز» کوشیده است تا با اعمال فشارهای قانونی و غیرقانونی کارگران را وادار به بازگشت به کار کند. از جمله، این شرکت کوشیده است حکم غیرقانونی بودن این اعتصاب را از دادگاه بگیرد و از این طریق حق بیمه بیکاری و بیمه پزشکی کارگران اعتصابی و کارگران بیکار شده را قطع نماید. همچنین، مدیریت «جنرال موتورز»، با اسکورت پلیس، به کارخانه «فلینت» وارد شده و ماشین آلات این کارخانه را برای به کار انداختن در واحدهای دیگر، از جمله خطوط تولید این شرکت در کانادا، از محل خارج کرده است. اما این عمل کارگران را در مبارزه خود مصمم تر ساخته است.

اتحادیه کارگران اتومبیل سازی در کانادا نیز ضمن اعلام حمایت خود از کارگران «فلینت»، تأکید کرده است که از به کار گرفتن ماشین آلات منتقل شده برای جبران کمبود قطعات در آمریکا خودداری خواهد کرد. رییس اتحادیه

پورتوریکو:

اعتصاب نیم میلیون کارگر و زحمتکش در اعتراض به خصوصی سازی شرکت تلفن دولتی



در روز ۶ ژوئیه، بیش از ۵۰۰ هزار کارگر و زحمتکش پورتوریکو (یک هفتم کل جمعیت جزیره)، به حمایت از کارگران اعتصابی شرکت تلفن دولتی که از ۴ ژوئن گذشته اعتصاب خود را آغاز کرده بودند، دست به اعتصاب عمومی زدند و با این کار زندگی اقتصادی این جزیره را به طور کامل مختل ساختند. این اعتصاب در اعتراض به برنامه دولت پورتوریکو برای خصوصی سازی شرکت تلفن دولتی و فروش آن به بهای ۱/۹ میلیارد دلار به یک کنسرسیوم بین المللی از انحصارهای فراملیتی تحت کنترل انحصار غول بیکر آمریکایی «جی. تی. ای.» انجام گرفت.

در این روز، کارگران ۶۰ اتحادیه کارگری و همچنین اعضا و هواداران ده ها سازمان توده ای و دانشجویی به خیابان ها ریختند و با طرح شعار «پورتوریکو فروشی نیست» مخالفت قاطع خود را با برنامه های نئولیبرالی دولت اعلام کردند. پلیس سراپا مسلح پورتوریکو که به منظور سرکوب این تظاهرات به طور کامل بسیج شده بود، علی رغم ضرب و شتم و دستگیری تعداد زیادی از تظاهرکنندگان، نتوانست از عهده جمعیت نیم میلیونی مردم برآید. اعتصاب کنندگان در این تظاهرات راه های ورودی فرودگاه، ساختمان های دولتی، شرکت تلفن و دفاتر شرکت های آمریکایی در پورتوریکو را مسدود ساختند.

طرح این اعتصاب عمومی در روز ۲۸ ژوئن در جلسه ای با شرکت ۱۲۰۰ نماینده از سوی اتحادیه های کارگری و سازمان های توده ای و دانشجویی به تصویب رسیده بود. نمایندگان شرکت کننده در این جلسه همچنین به اتفاق آرا قطعنامه ای را به تصویب رساندند که ضمن محکوم شناختن روند خصوصی سازی شرکت های دولتی پورتوریکو، خصوصی سازی شرکت تلفن دولتی را «حملة مستقیم به منافع مردم پورتوریکو» و «بخشی از برنامه گسترده دولت برای فروش به آموزش، بهداشت، آب، برق و مسکن» مردم ارزیابی کرد. کمیته هدایت کننده اعتصاب عمومی همچنین طی فراخوانی از همه مردم جهان خواسته است تا از این اعتصاب به شکل «معنوی، سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی» حمایت کنند.

روسیه:

کارگران اعتصابی معادن بار دیگر مسیر راه آهن سراسری را مسدود کردند



کارگران معادن روسیه بار دیگر در اعتراض به عدم دریافت حقوق های عقب افتاده خود، راه آهن سراسری سبیری را از سوم ماه ژوئیه مسدود کردند و خواستار پرداخت حقوق ۶ ماهه خود و همچنین تضمین شغلی برای خود شدند. مسئولان کمیته اعتصاب کارگران معادن، طی ارائه یک طرح به دولت روسیه خواسته اند که یک کمیسیون دولتی به منظور تعیین چگونگی حمایت مالی دولت از ۲۰ شهر منطقه «کمه رو وو»، که معادن آن از سوی دولت تعطیل شده اند، تشکیل شود. یک سخنگوی کمیته اعتصاب اعلام کرده است که معدنچیان تنها در صورت دریافت بی درنگ حقوق عقب افتاده شش ماهه خود، حاضر خواهند بود از انسداد ۹ روزه مسیر راه آهن سبیری دست بکشند. در روز ۶ ژوئیه، تعداد زیادی از معدنچیان اعتصابی در برابر «کاخ سفید» (مقر پلتنسین) در مسکو اجتماع کردند و با کوبیدن کلاه خودهای خود بر زمین، خواستار دریافت حقوق عقب افتاده خود شدند. اعتصاب معدنچیان و انسداد راه آهن سراسری سبیری تاکنون میلیون ها دلار به دولت پلتنسین ضرر وارد کرده است و به طور متوسط روزانه ۳۰ قطار را از حرکت باز داشته است.

کره جنوبی:

● دو اتحادیه بزرگ سراسری کارگران کره جنوبی در روز ۱۳ ژوئیه اعلام کردند که از روز چهاردهم این ماه، به منظور مختل کردن برنامه های تعدیل اقتصادی دولت، دست به اعتصاب سراسری خواهند زد. به گفته سخنگوی «کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی» (KCTU)، که ۵۶۰ هزار کارگر را در عضویت خود دارد، بیش از ۶۰ هزار کارگر بخش صنایع سنگین این کشور، از جمله کارگران شرکت اتومبیل سازی «هیوندی» از روز ۱۴ ژوئیه دست به اعتصاب خواهند زد و در روز ۱۵ ژوئیه، ۱۳ هزار نفر از کارگران اتحادیه ای در بخش مالی اقتصاد نیز به آنان خواهند پیوست. همچنین، اتحادیه های تحت پوشش «فدراسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی» (KFTU)، که بیش از ۱/۲ میلیون کارگر عضو آن هستند، اعلام کرد که بیش از ۱۵۰ هزار کارگر عضو این فدراسیون در صنایع مالی، از روز ۱۵ ژوئیه به اعتصاب خواهند پیوست. در روز ۱۲ ژوئیه، ده ها هزار کارگر عضو این دو اتحادیه در اعتراض به «رفرم های دولت» که به گفته آنان «از کارگران قربانی های غیرمنصفانه ای می طلبد» دست به راهپیمایی آرام در «ستول»، پایتخت این کشور زدند. «فدراسیون کارگران فلزکار کره جنوبی» اعلام کرده است که این اتحادیه به اعتصاب خود «به طور نامحدود»، تا زمانی که دولت و شرکت های خصوصی برنامه ای را برای تأمین امنیت شغلی کارگران و جلوگیری از اخراج غیرقانونی آنان تصویب نکرده اند، ادامه خواهد داد. طبق گفته سخنگوی این اتحادیه، «برنامه تعدیل اقتصادی دولت کارگران را به بیچارگی کشانده است». دولت کره جنوبی این اعتصاب را «غیرقانونی» اعلام کرده است.

انگلستان:

● از روز یکشنبه ۱۲ ژوئیه، کارگران و کارکنان متروی زیرزمینی شهر لندن، در اعتراض به شرایط کار و به مخاطره افتادن امنیت شغلی و حقوق بازنشستگی خود، که بر اثر خصوصی سازی شبکه متروی لندن به وقوع خواهد پیوست، دست از کار کشیدند. در ماه ژوئن نیز آنها به همین دلیل دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زده بودند. مدیریت متروی لندن مکرراً اعلام کرده است که در چارچوب سیاست های دولت برای ایجاد درآمدهای خصوصی، هیچ قول دیگری در این رابطه به کارگران نمی دهد. از متروی زیرزمینی لندن، که طول شبکه خطوط آن به ۴۰۰ کیلومتر می رسد، روزانه بیش از ۲ میلیون نفر استفاده می کنند. بر اثر اعتصاب کارگران، ۱۵ ایستگاه متروی این شهر تعطیل شدند و شهر لندن با مشکل ترافیک روبرو شد.

کانادا:

● بیش از نیم میلیون نفر از کارگران و کارکنان بخش دولتی در ایالت های «کیبک» و «بریتیش کلمبیا» به واسطه عدم توافق با دولت بر سر قراردادهای خود، به سمت یک اعتصاب عمومی حرکت می کنند. «اتحادیه کارکنان بهداشت بریتیش کلمبیا»، که اعضای آن در ماه مه دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زده بودند، اخیراً در یک رای گیری با اکثریت ۸۱ درصد حمایت خود را از دست زدن به اعتصاب اعلام کردند. ۷۶ درصد از اعضای «اتحادیه کارکنان خدمات دولتی» این ایالت نیز اخیراً در یک رای گیری خواستار دست زدن به اعتصاب شده اند. در ایالت «کیبک»، مهلت قرارداد جمعی ۴۰۰ هزار نفر از کارکنان دولتی، از جمله معلمان و پرستاران، در روز آخر ماه ژوئن به پایان رسیده است و اتحادیه آنان، یعنی «فدراسیون کار کیبک»، که ۲۸۰ هزار عضو دارد، هنوز به هیچ توافقی با دولت دست نیافته است. این مسأله احتمال اعتصاب سراسری کارکنان دولت کیبک را نیز به شدت افزایش داده و رابطه اتحادیه را با دولت به شدت تیره ساخته است.

آرژانتین:

● معلمان آرژانتین، در اعتراض به سطح پایین دستمزدهای خود، در روز ۱۰ ژوئیه دست به یک اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته زدند. «مارتا مافی»، رییس اتحادیه معلمان اعلام کرد که این اعتصاب «از حمایت بیش از ۹۵ درصد معلمان کشور برخوردار است». در همین روز، هزاران معلم آرژانتینی در برابر ساختمان مرکزی دولت در شهر «بوئنوس آیرس» اجتماع کردند و علیه سخنان وزیر اقتصاد این کشور که گفته بود «معلمان کم حقوق می گیرند چون کم کار می کنند» دست به اعتراض زدند. یکی از رهبران اتحادیه معلمان آرژانتین در رابطه با سخنان وزیر اقتصاد این کشور گفت که وی «نظرات صندوق بین المللی پول را بیان کرده است زیرا این صندوق مخالف سرمایه گذاری دولت در بخش آموزش است». اتحادیه معلمان آرژانتین همچنین تاکنون یک اعتصاب غذای ۴۷۵ روزه نیز در اعتراض به پایین بودن حقوق معلمان سازمان داده است که همچنان ادامه دارد. معلمان آرژانتین اعلام کرده اند که در ماه اوت آینده یک اعتصاب سراسری سه روزه خواهند داشت.

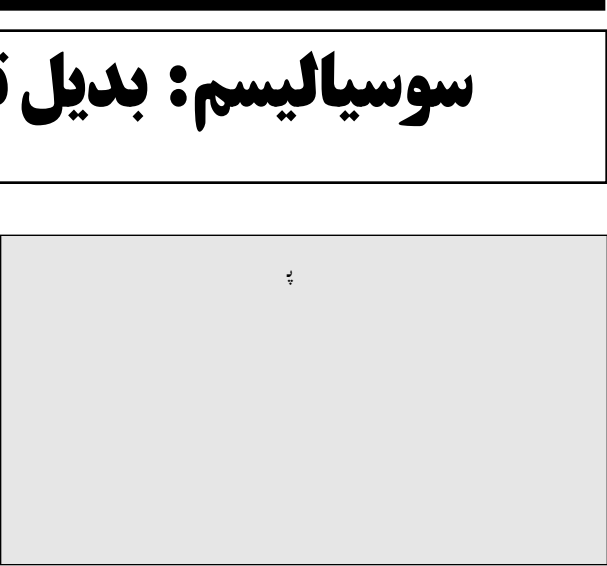
کنیا:

● در روز ۱۳ ژوئیه، «اتحادیه ملی معلمان کنیا» رسماً به دولت این کشور اخطار کرد که در صورت واگذار کردن اختیار تعیین حقوق معلمان به وزیر آموزش این کشور، همه معلمان کنیا در روز پانزدهم این ماه در سراسر کشور، دست به تظاهرات خواهند زد. دبیرکل اتحادیه ملی معلمان، «آمبروز آدونگو»، از دولت کنیا خواسته است که تا روز ۱۴ ژوئیه این تصمیم دولت را، که به گفته گفته اتحادیه، معلمان را در برابر دولت خلع سلاح می کند، ملغی سازد. دولت کنیا همچنین اعلام کرده است که به منظور ایجاد توازن در بودجه، از پرداخت قسط دوم پاداش معلمان که دولت قبلاً نسبت به پرداخت آنها تعهد داده بود خودداری خواهد کرد و ۶۶ هزار نفر از ۲۴۰ هزار معلم این کشور را منتظر خدمت خواهد نمود. در عکس العمل به این سیاست دولت، «اتحادیه ملی معلمان کنیا» به دولت اخطار داده است که در صورت عدم پرداخت به موقع پاداش معلمان، کلیه معلمان این کشور از روز ۱۳ اوت دست به اعتصاب سراسری خواهند زد. معلمان این کشور، که حقوق ماهانه آنها رقمی بین ۴۵ تا ۴۷ دلار در ماه است، تنها پس از دست زدن به یک اعتصاب سراسری ۱۱ روزه در ماه اکتبر گذشته توانستند دولت را وادار به پرداخت قسط اول پاداش خود نمایند.

پرتغال:

● کارکنان راه آهن پرتغال، در روز ۱۳ ژوئیه، طی یک اعتصاب ۲۴ ساعته خواستار بهبود شرایط کار و تضمین امنیت شغلی خود در برابر روند تعدیل اقتصادی شدند. این اعتصاب، که چهارمین اعتصاب کارکنان راه آهن در دو ماه اخیر بود، بیش از ۹۰ درصد سرویس راه آهن را در سراسر این کشور فلج کرد.

انترناسیونالیسم پرولتری نه یک شعار سیاسی بلکه یک ضرورت تاریخی در شرایط جهانی شدن سرمایه است!



در قرن ما، انقلاب علمی - فنی فرصت های بزرگی را برای بهبود زندگی انسان ها فراهم آورده است. در طول تاریخ هرگز چنین امکان وسیعی برای رشدیابندگی و خلاقیت فردی، که با کاهش کار جهانی همراه باشد، وجود نداشته است. امروز این امکان به وجود آمده است تا برای همیشه گرسنگی و عقب ماندگی را ریشه کنیم و در عین حال کرهٔ زمین را چون زیستگاهی سالم به نسل آینده تحویل دهیم.

اما واقعیت غیر از این به نظر می رسد. بخش اعظم نیروهای تولیدی و افزایش ثروت در شرایط استیلای روابط تولیدی سرمایه داری به وقوع پیوسته است. هرچند این امر به رشد علم و تکنولوژی کمک کرده و در اثر مبارزات سازمان یافتهٔ طبقهٔ کارگر، باعث پیشرفت های اجتماعی در کشورهای صنعتی شده است، اما از آنجایی که برای سرمایه داران، رشد نیروهای تولیدی تنها وسیله ای برای استخراج سود هرچه بیشتر از سرمایه بوده است، عملاً اساس زندگی انسانی در معرض انهدام قرار گرفته است. امروز امحاء کامل حیات انسانی و تمام اشکال تکامل یافتهٔ طبیعت از طریق جنگ های هسته ای و شیمیایی و بیولوژیک، و یا از راه دستکاری در ژن های انسان، امری غیرقابل تصور نیست. نابودی محیط زیست نیز روندی غیرقابل بازگشت است. در اثر جبر انباشت سرمایه که در ذات سرمایه داری است، هیچ گونه روش مؤثری برای مقابله با این مخاطرات وجود ندارد. در نظام سرمایه داری، تخریب و انحطاط همزاد رشد علمی ـ فنی شده اند.

شالودهٔ جوامع کنونی را تولید از طریق تقسیم کار تشکیل می دهد. تقریباً هرآنچه که تولید می شود نه برای مصرف آنی تولیدکنندگان، بلکه صرفاً برای تعویض و مبادلهٔ اجتماعی به وجود می آید. اما تولید اجتماعی مبنای انفرادی پیدا کرده و حاصل آن نیز به صورت انفرادی توسط عده ای معدود به مصرف می رسد. پیش از شروع تولید، مواد خام و نیروی کار ابتدا باید به کالا و سپس به سرمایه تبدیل شوند. برای صاحبان سرمایه، تولید فقط یک هدف را دنبال می کند و آن به کارگرفتن سرمایه با هدف استخراج ارزش اضافی از کار و تحقق آن از طریق فروش کالاهای ساخته شده و از سر گرفته شدن مجدد این فرایند در مقیاسی وسیع تر از قبل است. به این ترتیب، سرمایه داری باعث رشد بی سابقهٔ نیروهای تولیدی شده است. اما اینجا عقلایی شدن تنها به تولید بیشتر با صرف کار کمتر منجر نمی شود، بلکه افزایش بیکاری و استثمار را نیز به همراه دارد. در عین گسترش وسایل تولیدی که یک کارگر به حرکت می اندازد، ما شاهد تمرکز بی وقفهٔ ثروت اجتماعی در دست عده ای معدود از افراد نیز هستیم، زیرا این تنها راه موفقیت در میدان رقابت جهانی سرمایه داری است.

سرمایه داری سیستمی است که در آن تولید نه به خاطر مردم، بلکه صرفاً به خاطر سودانجام می شود. انسان ها بر تولید فرمان نمی رانند، بلکه این تولید است که بر جامعه حکم می راند و خود را به عنوان عامل طبیعی، عامل طبیعی رقابت سرمایه داری و دستیابی به حداکثر سود، جلوه گر می سازد. بدین ترتیب، تمامی روابط درون جامعه، روابط زندگی افراد، به شکل کاملاً مستقل از آنها و به گونه ای وارونه و معکوس جلوه می کنند. در شرایط سرمایه داری، انسان ها نه به سازندگان (subject) تاریخ، بلکه به مهره های بی ارادهٔ آن (object) بدل می شوند و مناسبات تولیدی از ابزارهایی برای خلاقیت انسان به سازندگان تاریخ بدل می گردند.

راه گسست انقلابی از سرمایه داری

هدف کمونیست ها از میان برداشتن ریشه های بهره کشی و از خود بیگانگی، عوامل جنگ و گرسنگی، فقر و بیخانمانی، تلاش دایمی انسان ها برای یافتن کار، نابودی محیط زیست، تبعیض، نژادپرستی، ملی گرایی و ستمکنشی است. مادامی که در میدان عمل سرمایه قرار داریم، دستیابی به اهداف فوق میسر نیست. بنابراین، گسست انقلابی با سرمایه داری امری ضروری است: الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید؛ رهایی کار اجتماعی از قید استثمار؛ اجتماعی شدن وسایل تولید؛ تولید نیازهای مردم طبق برنامه و بهره برداری اجتماعی از ثروت های جامعه. امروز پیش شرط های مادی برای ایجاد اشتغال برای همگان تأمین شده است و می توان برای همه زندگی در خور شأن انسان ایجاد کرد به طوری که فقط احتیاج به بخشی از کار روزانه باشد.

اما تحقق چنین هدفی به نظام اجتماعی دیگری نیاز دارد. نظامی که از دل تضادهای موجود متولد می شود و وجودش بسته به خواست و آرزو نیست. همین فرایندها هستند که به طور دایمی به نظام جدید صورت تحقق می بخشند. تضادهای سرمایه داری آن را مجبور به برخورد با محدودیت های خود می کند تا جایی که برای فایق آمدن بر بحران های خود، از بنیان های خود مایه می گذارد. این خود پیام آور تولد یک نظام اجتماعی نوین است که استقرار آن به مداخلهٔ انقلابی انسان ها نیاز دارد.

سرمایه داری جامعه را به دو قطب متضاد شامل دو طبقهٔ اجتماعی متخاصم تقسیم می کند: طبقه ای که وسایل تولید را در اختیار دارد و طبقه ای دیگر که از این وسایل محروم است و جز فروش ظرفیت های جسمی و ذهنی خود، یعنی نیروی کار خود، چیز دیگری ندارد. بر این اساس ما طبقهٔ اخیر را طبقهٔ کارگر می خوانیم با درک کامل از این که این طبقه خود به چندین لایه تقسیم شده است.

طبقهٔ کارگر بر اساس رسالت تاریخی خود بایستی نیروی تعیین کننده در نجات تمدن انسانی از نابودی باشد و در راه پیروزی مبارزه برای گذار از نظام سرمایه داری به سوسیالیسم پیشقدم شود. برای انجام این رسالت، طبقهٔ کارگر متحدینی از میان دیگر طبقات و اقشار خواهد جست که منافعشان کلاً یا جزئاً با منافع وی مشترک باشد. جامعهٔ نوین آن گاه تشکیل خواهد شد که اکثریت جامعه به توافق مشترکی برسند و همگی خواهان یافتن بدیلی برای سرمایه داری گردند.

جامعهٔ نوین، اما، باید با کوشش های نخستین در قرن حاضر متفاوت باشد. شرایط تاریخی برای آن عوض شده است و ما باید از اشتباهات

سوسیالیسم: بدیل تاریخی سرمایه داری

حزب کمونیست آلمان (DKP)

بسیار جدی که در آن کوشش ها انجام گرفت درس های لازم را بگیریم و چنان ساختاری به وجود آوریم که از بروز اشتباهات مشابه جلوگیری کند. ولی هدف ما اختراع مجدد سوسیالیسم نیست. این شروع مجدد برای سوسیالیسم از منابع مختلفی نشأت می گیرد. این آغاز نواز درک لزوم فایق آمدن بر سرمایه داری برخواهد خاست و با امید، خشم و نیازهای اکثریت قاطع مردم آبیاری خواهد شد: نیاز مردم به داشتن یک زندگی آزاد از نگرانی دائمی، گرسنگی، فقر، استثمار و جنگ، و از همه مهم تر، داشتن یک لقمه نان روزانه.

این جامعه بر پایهٔ قانونمندی هایی که مارکس، انگلس و لنین آن را شالوده ریزی کردند استوار است. بر طبقهٔ کارگراست که برای بازسازی و احیای جامعهٔ نوین بار دیگر وارد میدان شود. این آغاز باید بر تحلیل از تجربیات ۱۹۱۷ تا ۱۹۸۹ استوار باشد. هم دلایل فروپاشی سوسیالیسم، و هم علل ماندگاری آن به مدت هفتاد سال در رویارویی با دشمنان رنگارنگ، نیاز به بررسی و پژوهش دارند.

دستاوردها و پیشرفت های مسخ شدهٔ «سوسیالیسم واقعی»

بعد از دوران کوتاه کمون پاریس، ساختمان نظام اجتماعی سوسیالیستی نخستین بار در ۱۹۱۷ در روسیه آغاز شد. انقلاب اکتبر بشارت دهندهٔ شروع یک دوران جهانی - تاریخی تازه برای بشریت بود. این انقلاب توانست به رغم نامساعدترین شرایط، به دستاوردهای چشمگیری در اتحاد شوروی و سپس دیگر کشورهای سوسیالیستی نایل شود.

● تجربهٔ جوامع سوسیالیستی طی چند دهه به اثبات رساند که تکامل نیروهای تولیدی و استقرار تولید برنامه ریزی شده می تواند بدون توسل به اصل سودآوری تحقق یابد.

● سوسیالیسم توانست تجاوزگری های امپریالیستی را لگام بزند. سیاست خارجی سوسیالیسم، از اولین فرمان برقراری حکومت سوسیالیستی در ۱۹۱۷، که بر جنگ بین الملل اول برای روسیه نقطهٔ پایان گذاشت، گرفته تا پیروزی بر فاشیسم هیتلری و سپس پیشنهادهای خلع سلاح پیمان ورشو، همه زنجیره ای از سیاست صلح دولت های سوسیالیستی را تشکیل می دهند.

● از لحاظ اقتصادی، توسعهٔ سوسیالیسم به صورت متکی به خود و بدون استثمار کشورهای جهان سوم صورت گرفت. همبستگی با خلق های این کشورها در مبارزه شان علیه استثمار و استعمار و برای استقلال ملی، از دستاوردهای تاریخی سوسیالیسم محسوب می شود.

● وجود سوسیالیسم و دستاوردهای آن به امر مبارزهٔ اجتماعی و احقاق حقوق اجتماعی و دموکراتیک در کشورهای سرمایه داری یاری رساند. بورژوازی و دولت های بورژوازی مجبور به دادن امتیازات قابل ملاحظه ای به مردم خود شدند.

علی رغم این دستاوردها، سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپا دچار شکست گردید. برخی از عوامل داخلی و خارجی، اقتصادی و سیاسی، عینی و ذهنی، این شکست عبارتند از:

■ دولت های سوسیالیستی با موانع و فشارهای اولیهٔ سنگینی دست به گریبان بودند. انقلاب ابتدا در روسیه، یعنی کشوری از لحاظ اقتصادی عقب مانده، بی بهره از سبب بورژوا - دموکراتیک، و با اکثریت دهقانی، به پیروزی رسید. این عقب ماندگی و نیز تهدید دائمی امپریالیسم باعث گردید که به منظور ایجاد صنعتی مدرن و شروع انقلاب فراگیر، متمرکز کردن تمام منابع در کوتاه ترین زمان ممکن و به عنوان عاجل ترین وظیفه، در دستور کار قرار گیرد. در این شرایط حزب کمونیست می بایست وظیفهٔ نمایندگی همه جانبهٔ طبقهٔ کارگر را در همهٔ عرصه ها بر عهده گیرد.

این وضعیت، حتی بعد از این که شرایط در اثر صنعتی شدن و انقلاب فرهنگی دگرگون شده بود، همچنان ادامه یافت و حزب و دولت را به شکلی فزاینده به دستگاهی اداری - بوروکراتیک بدل کرد. نتیجهٔ آنکه آزادی های سوسیالیستی نه تنها رشد نکردند، بلکه بر اثر بی توجهی به قانونیت سوسیالیستی به شدت تضعیف گردیدند. تهدید از خارج منجر به اختناق و ترور در داخل گردید. سیاست دولتی کردن همه جا نیه جایگزین سیاست اجتماعی کردن همه جا نیه شد. نتیجهٔ این روند بیگانگی روزافزون از مالکیت سوسیالیستی بود.

■ این «الگوی سوسیالیسم» عیناً به کشورهایی که بعد از جنگ جهانی دوم راه رشد سوسیالیستی را برگزیده بودند، حتی به کشورهای پیشرفته ای مانند جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری چکسلواکی، نیز منتقل شد. هرچند این مدل ابتدا پیشرفت های اقتصادی مهمی را به بار آورد، اما بعداً ثابت شد که انعطاف لازم را برای ایجاد عوامل و لوازم یک انقلاب علمی - فنی دارا نیست. نتیجهٔ آن شد که کشورهای سوسیالیستی به شکلی روزافزون از کشورهای امپریالیستی در زمینهٔ بازده نیروی کار و سطح استاندارد مادی زندگی عقب افتادند و این خود به عامل مهم بی ثباتی در این کشورها بدل گشت.

■ کشورهای سوسیالیستی از ایجاد نیروهای تولیدی جدید درخور و شایستهٔ نظام عاجز ماندند.

■ در درازمدت، نظام ارزشی سوسیالیستی توانست از حمایت گسترده برخوردار شود.

■ ما عوامل اصلی داخلی شکست سوسیالیسم را در انجماد فزایندهٔ روابط اجتماعی، و ناتوانی سوسیالیسم در یافتن راهبردهای انقلابی و مناسب در پاسخ به ضرورت های متحول شونده در هر مرحله از رشد آن، می بینیم.

■ از جمله عوامل دیگری که به شکست سوسیالیسم یاری رساند انجماد دگماتیک تئوری اجتماعی بود که به شکلی فزاینده توان آن را کاهش داد و مانع بسط تحلیل واقعی از شرایط مشخص و ارائهٔ راه حل های علمی شد که می توانستند راهگشای رشد جامعهٔ سوسیالیستی باشند. این عامل پایهٔ اصلی تصمیمات اشتباه آمیز سیاسی و اقتصادی بود.

■ شکست سوسیالیسم در عین حال نتیجهٔ تحریکات ضدانقلاب داخلی و خارجی بود. از مداخلات نظامی ۱۴ کشور امپریالیستی علیه حکومت جوان شوراها تا محاصرهٔ اقتصادی سال های ۱۹۲۰؛ از قرارداد ضد کمیترن برای تحت فشار قرار دادن اتحاد شوروی تا تجاوز آلمان نازی؛ و بالاخره از سیاست های محاصرهٔ اقتصادی تا مسابقهٔ خردکنندهٔ تسلیحاتی؛ همه و همه نشان می دهد که کشورهای امپریالیستی از هیچ فرصتی برای بی ثبات کردن و نابودی سوسیالیسم فروگذار کردند.

■ در شرایط وجود این عوامل داخلی و خارجی، گرایشات اپورتونیستی ریشه گرفت و به صورت روزافزون باعث مسخ کاراکتر انقلابی جامعهٔ سوسیالیستی و تئوری سوسیالیسم علمی گردید. زمینه برای رخنهٔ ایدئولوژی بورژوازی فراهم شد و در نهایت فروپاشی نظام شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را سبب گردید.

آموزش های مارکسیسم

علل اختلاف نظر در جنبش کارگری

یکی از ژرف ترین عللی که هرچند یکبار اختلاف نظرهایی بر سر مسایل تاکتیک پدید می آورد، واقعیت رشد جنبش کارگری است. اگر ملاک سنجش این جنبش یک نوع آرمان پروردهٔ پندار خام نباشد، بلکه قبول شود که این جنبش یک جنبش پراتیک معمولی است، آن وقت روشن خواهد شد که جلب دائمی «سربازان» جدید و جذب لایه های جدید تودهٔ زحمتکش ناگزیر باید تزلزلات و نواساناتی در زمینهٔ تئوری و تاکتیک، تکرار اشتباهات گذشته، بازگشت موقت به نظریات کهنه شده و شیوه های کهنه شده و غیره را به همراه داشته باشد. جنبش کارگری هر کشور مقادیر کم و بیشی از انرژی، دقت و وقت خود را به طور مرتب صرف «تعلیم» سربازان جدید می کند.

علاوه بر این، سرعت رشد سرمایه داری در کشورهای مختلف و در شاخه های مختلف اقتصاد ملی یکسان نیست. طبقهٔ کارگر و ایدهٔ ثولوگ هایش مارکسیسم را در محیطی که صنایع بزرگ حداکثر رشد را داشته باشد، آسان تر، سریع تر، کامل تر و عمیق تر فرا می گیرند. مناسبات اقتصادی واپس مانده یا در رشد خود تأخیر کرده، همواره موجب پیدایش چنان هوادارانی برای جنبش کارگری می شوند که فقط برخی از جوانب مارکسیسم، برخی از اجزاء جهان بینی نوین یا برخی از شعارها و خواست ها را دریافته اند و توانایی آن را ندارند که با تمام سنت های جهان بینی بورژوازی در کل آن، و جهان بینی بورژوا - دموکراتیک به عنوان جزئی از آن، به طور قطعی پیوند بگسلند.

از این گذشته، یکی از منابع دائمی اختلاف نظرها نیز خصلت دیالکتیکی تکامل اجتماعی است که در میان تضادها و از طریق تضادها انجام می گیرد.... مارکسیسم به مثابه تئوری ماتریالیسم دیالکتیکی می تواند این تضادهای زندگی تازه و تاریخ زندهٔ سرمایه داری و جنبش کارگری را تفسیر کند. ولی خود به خود پیداست که توده ها از زندگی درس می گیرند، نه از کتاب. و به همین جهت افراد یا گروه هایی یافت می شوند که همیشه دربارهٔ این یا آن خصیصه، این یا آن «درس» تکامل سرمایه داری، به مبالغه می پردازند و تئوری یک جانبه و سیستم تاکتیکی یک جانبه وضع می کنند.

ایدهٔ ثولوگ های بورژوا، لیبرال ها و دموکرات ها بی آن که مارکسیسم را درک کنند، بی آن که جنبش کارگری امروزین را درک کنند ... فقط یک جانب جنبش کارگری را برجسته می کنند، برای این برداشت یک جانبه اعتبار تئوری قابل می شوند و گرایش ها یا خصایصی از این جنبش را که ویژگی مشخصهٔ این یا آن دوران، این یا آن شرایط فعالیت طبقهٔ کارگر را تشکیل می دهد، نافی یکدیگر اعلام می دارند. و حال آن که زندگی واقعی، تاریخ واقعی، این گرایش های متفاوت را در خود جمع دارند، همان گونه که زندگی و تکامل در عرصهٔ طبیعت، هم تحولات کند و هم جهش های تند را که قطع حرکت تدریجی است، در خود جمع دارند.

رویزونیست ها تمام استدلالات مربوط به «جهش ها» و تناقضات اصولی میان جنبش کارگری و سراسر جامعهٔ کهنه را جمله پردازی می دانند. آن ها فرم را تحقق جزئی از سوسیالیسم تلقی می کنند. آنارکو- سندیکالیست ها «کارهای خرده ریز»، خاصه استفاده از تریبون پارلمان را مردود می شمارند. این تاکتیک اخیر در واقع معنایش نشستن در انتظار «روزهای بزرگ» بدون داشتن توانایی گردآوری نیروهای آفرینندهٔ تحولات بزرگ است. هم رویزونیست ها و هم آنارکو- سندیکالیست ها مانعی هستند در راه مهم ترین و فوری ترین کار، یعنی متشکل ساختن کارگران در سازمان های بزرگ و نیرومندی که خوب فعالیت می کنند و در هر شرایطی می توانند خوب کار کنند و از روح مبارزهٔ طبقاتی سرشار باشند و از هدف های خویش دریافت روشن داشته باشند و بر بنیاد جهان بینی مارکسیستی راستین تربیت شده باشند....

سرانجام، یکی از علل بسیار مهمی که موجب پیدایش اختلاف نظرها در میان شرکت کنندگان جنبش کارگری می شود، تغییرات وارده در تاکتیک طبقات حاکمه به طور کلی، و بورژوازی از آن جمله، است. اگر تاکتیک بورژوازی همیشه یکسان و لاقبل همیشه همگون بود، طبقهٔ کارگر به سرعت یاد می گرفت که این تاکتیک را با تاکتیکی همانقدر یکسان یا همگون پاسخ گوید. ولی بورژوازی در همهٔ کشورها ناگزیر است دو سیستم کشورداری و دو اسلوب مبارزه برای تأمین منافع و حفظ فرمانروایی خود به کار برد. به علاوه، این دو اسلوب گاه یکی جایگزین دیگری می شود و گاه با ترکیب های متفاوت درهم می آمیزند. یکی از این دو اسلوب عبارت است از اسلوب قهر، اسلوب خودداری از هرگونه عقب نشینی در برابر خواست های جنبش کارگری، اسلوب پشتیبانی از تمام نهادهای کهنه و فرتوت، اسلوب نفی قطعی رفرم.... اسلوب دوم عبارت است از اسلوب «لیبرالیسم»، یعنی گام برداشتن در جهت گسترش حقوق سیاسی، در جهت رفرم، در جهت عقب نشینی در برابر خواست ها و غیره.

این که بورژوازی از یک اسلوب به اسلوب دیگر می پردازد، به علت حساب بدخواهانهٔ این یا آن شخص و یا به علت عوامل تصادفی نیست، بلکه ناشی از تناقض بنیادی موجود در وضع خود بورژوازی است. یک جامعهٔ سرمایه داری عادی بدون سیستم انتخاباتی استوار و بدون دادن برخی حقوق سیاسی به مردم که توقعاتشان در زمینهٔ «فرهنگی» نمی تواند در یک سطح بالنسبه عالی نباشد، قادر نیست با موفقیت پیشرفت کند. این توقع مراعات حداقل معین فرهنگ، توقعی است زایندهٔ شرایط خود شیوهٔ تولید سرمایه داری با سطح عالی تکنیک آن، با پیچیدگی، نرشم و پویایی آن، با سرعت فزایندهٔ رقابت در عرصهٔ جهانی و غیره. به همین جهت نوسان تاکتیکی بورژوازی، یعنی، انتقال از سیستم قهر به سیستم گذشت های صوری و ظاهری، پدیده ای است که طی نیم قرن اخیر در همهٔ کشورهای اروپایی عمومیت داشته است و کشورهای مختلف، در هر مرحلهٔ معین، این یا آن اسلوب را به کار برده اند. به عنوان مثال، در دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن نوزدهم، انگلستان نمونه ای از یک کشور با سیاست بورژوازی «لیبرال» بود، و آلمان در دهه های هفتاد و هشتاد آن قرن، از اسلوب قهر پیروی می کرد....

بازتاب غلبهٔ اسلوب اخیر در آلمان، رشد گرایشات آنارکو- سندیکالیستی در جنبش کارگری بود ... اما زمانی که در دههٔ ۹۰ دوران دادن امتیازات فرارسید، این اسلوب به رشد پدیدهٔ خطرناک تر «رفرمیسم» بورژوازی و اپورتونیسم در جنبش کارگری انجامید.... روشن است که گذار افراد، گروه ها و لایه های معینی از خرده بورژوازی به درون صفوف پرولتاریا، به ناچار به رشد این گونه گرایشات و تزلزل ها در جنبش کارگری یاری می رساند....

و.ای. لنین
«مجموعهٔ آثار»، جلد ۱۶، صفحات ۵۴-۳۴۷

تولد یک سوم کودکان جهان در هیچ جا ثبت نمی شود!

طبق گزارشی که در اوایل ماه جاری از سوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، «یونیسف»، منتشر شد، تولد یک سوم کودکان جهان به طور رسمی به ثبت نمی رسد و در نتیجه آنها از حق بهره مند شدن از آموزش، بهداشت، ازدواج و رأی دادن در کشور خود محروم می مانند.

بنا بر گزارش «یونیسف»، تقریباً همهٔ این کودکان به کشورهای «جهان سوم»، که بیش از ۷۵ درصد کودکان جهان در آنها زندگی می کنند، تعلق دارند. به گفتهٔ «کارول بلامی»، مدیرعامل «یونیسف»، «این کودکان به حاشیه رانده و فراموش شده اند».

«منشور حقوق کودک»، که در سال ۱۹۸۹، به تصویب رسیده است، و همهٔ کشورهای جهان به استثنای آمریکا و سومالی جزء امضاکنندگان آن هستند، صدور گواهی تولد برای کودک را به عنوان اولین حق او به رسمیت شناخته است و همهٔ ۱۹۱ کشور امضاء کنندهٔ آن قانوناً و اخلاقاً موظف به اجرای مفاد آن هستند. با این وجود، بسیاری از این کشورها این حق اولیهٔ کودکان را نادیده می گیرند و آن را پیامل می کنند.

طبق گزارش «یونیسف»، هر ساله ۴۰ میلیون کودک بدون آن که هیچ مدرک قانونی وجود آنها را اثبات کند پای به جهان می گذارند و این مسأله به ویژه در موارد جنگ، قحطی و سوانح طبیعی برای این کودکان بسیار خطرناک است. طبق گفتهٔ «یونیسف»، «این کودکان، به دلیل نامرئی بودن، از همهٔ حقوق خود محروم می شوند».

در بیش از ۳۰ کشور جهان، کودکان بدون گواهی تولد نمی توانند از

اخگر

مراقبت بهداشتی برخوردار شوند و در ۲۰ کشور دیگر، آنها از واکسیناسیون در برابر بیماری های واگیر نیز محروم اند. بسیاری از کشورها، بدون گواهی تولد کودکان را در مدارس ثبت نام نمی کنند. در برخی کشورها، از جمله افغانستان، کامبوج، اریتره، اتیوپی، نامیبیا و عمان، حتی ثبت کودکان تازه به دنیا آمده اجباری نیست، و در ۲۲ کشور، هیچ سند و آماری در مورد تولد کودکان وجود ندارد.

طبق ارزیابی های انجام شده توسط «یونیسف»، کودکان کشورهای فقیر، به ویژه در روستاها، پایین ترین نرخ ثبت تولد را دارند. به عنوان مثال، در سیرالئون تنها ۱۰ درصد کودکان، در زیمبابوه تنها ۳۰ درصد، و در بولیوی تنها نیمی از کودکان گواهی تولد دریافت می کنند. با این وجود، «یونیسف» از ۸ کشور که علی رقم فقر و دشواری های اقتصادی حداقل ۹۰ درصد تولد کودکان را به ثبت می رسانند نام برده است که اغلب آنها کشورهای سوسیالیستی کنونی و سابق، و یا از جمهوری های سابق اتحاد شوروی هستند. این کشورها عبارتند از: ارمنستان، آذربایجان، چین، هندوراس، قرقیزستان، مغولستان، سری لانکا و تاجیکستان.

در گزارش «یونیسف»، که تحت عنوان «گزارش پیشرفت کشورها در سال ۹۸» منتشر شده است، همچنین از عدم توجه کافی دولت های کشورهای «جهان سوم» به واکسینه کردن کودکان یاد شده است. طبق این گزارش، تنها اختصاص ۷۰۰ میلیون دلار در سال می تواند هرساله جان ۸ میلیون کودک را در برابر بیماری های واگیر کننده در سطح جهان نجات دهد.■

باندهای فحشاء روسیه اسرائیل را به پایگاه فعالیت خود بدل کرده اند!

گفتند که لباس مناسبی بیوش و از هرگونه آرایش خودداری کن. آنها گفتند که در فرودگاه به مأمورین بگو که برای دیدار خالهٔ بیمارت آمده ای. آنها یک آدرس و تلفن تقلبی هم به من دادند که از بر کنم تا اگر کسی از من پرسید، بر زبان آورم.»

«او را به یک آپارتمان بردند و همراه با سه زن دیگر به کار مشغول شد. کار او از ۱۲ ظهر شروع می شد و تا ساعت ۳ صبح ادامه داشت. دو نگاهبان جلوی در پول ها را جمع می کردند و او هرگز کارفرمایان خود را ندید. در «مولداوی» به او گفته بودند که کارفرمایان اولین ۶ هزار دلار از درآمد او را برای جبران هزینهٔ انتقال او به اسرائیل بر می دارند. اما او می گوید: وقتی به اسرائیل رسیدم همهٔ قرارها عوض شد. به من گفتند که من باید معادل ۲۵ هزار دلار مجانی کار کنم و پس آن خواهم توانست درآمدم را برای خود نگهدارم. با این وجود مرا مجبور می کردند که هر ماه هزار دلار هم به آنها بپردازم.»

«او نیز یک ماه بعد از ورود به اسرائیل دستگیر شد، اما مانند ۸۴ زن دیگری که در زندان «نوه تیزرا» هستند، پولی برای بازگشت به کشورش ندارد. برخلاف بسیاری کشورهای دیگر، اسرائیل هزینه سفر کسانی را که اخراج می کند برعهده نمی گیرد.... او می گوید: به خواهرم تلفن کردم و گفتم که در اسرائیل هستم، اما نتوانستم بگویم که در زندان به سر می برم. خانوادهٔ من فقیر است و آنها نمی توانند برای من چیزی بفرستند.»

طبق گزارش خبرنگار «آسوشیتدپرس»، از سال ۱۹۸۹ تاکنون، باندهای فحشاء روسیه بیش از ۱۰ هزار زن جوان را به این طریق وارد اسرائیل کرده و آنها را به خودفروشی واداشته اند. آنها ده ها هزار زن دیگر را نیزاز طریق اسرائیل به بازارهای اروپا، خاورمیانه و آفریقای شمالی منتقل کرده اند. سود این باندهای جنایتکار از برده داری جنسی در اسرائیل هم اکنون از ۴۵۰ میلیون دلار در سال فراتر رفته است.

به گفتهٔ «آصف حفنظ»، رییس پلیس، این باندها همچنین سالانه معادل ۴ میلیارد دلار پول قاچاق وارد اسرائیل می کنند که بخشی از آن به مصرف رشوه دادن به مقامات دولتی، قضات و بانکداران می رسد. در نتیجه، در این مدت تعداد بسیار معدودی از این جنایتکاران دستگیر شده اند. به عنوان مثال، در سال ۹۶، تنها ۱۵۰ نفر از آنها به جرم ایجاد خانه های فحشاء در اسرائیل دستگیر شدند که فقط ۲۱ نفر آنان به دادگاه رفتند. اما حتی این ۲۱ نفر نیز هیچ کدام حکم محکومیت نگرفتند و همگی آزاد شدند. به گفتهٔ «حفنظ»، ما امروز شاهد ریشه گرفتن «مافیای»ی روسی در اسرائیل هستیم که زیربنای آن از هم اکنون ایجاد شده و به سرعت در حال رشد است.■

یلتسین بالاخره استخوان های تزار را به روسیه باز گرداند و با احترامات سلطنتی به خاک سپرد!

«ساختن روسیهٔ نوین باید بر تجربهٔ تاریخی آن استوار باشد. صفحات پرشکوهی از تاریخ روسیه با نام «رومانوف ها» پیوند خورده است. اما این نام با یکی از تلخ ترین درس ها نیز توأم شده است: هرگونه تلاش برای تغییر زندگی از طریق خشونت به ناچار به شکست می انجامد.

«ما باید این قرن راه، که قرن خون و خشونت در روسیه بوده است، با توبه و صلح، و جدا از نظرات سیاسی و تعلقات مذهبی و قومی، به پایان بریم.

«این شانس تاریخی ما است. در آغاز هزارهٔ آینده، ما باید این کار را به خاطر کسانی که امروز زندگی می کنند، و به خاطر نسل های آینده انجام دهیم.

«بگذارید قربانیان بی گناه نفرت و خشونت را به یاد داشته باشیم. باشد که آنها در آرامش و صلح بخوابند.»

از طریق شمارهٔ رایگان فاکس و پیغام گیر «اخگر»:

۶۰۲۵-۳۳۵-۸۰۰+ (کد آمریکا)

با ما تماس بگیرید و نظرات، پیشنهادات، اخبار

و مقالات خود را برای «اخگر» ارسال دارید.

اخبار جهان

- قرارداد دوجانبهٔ روسیه و قزاقستان در رابطه با تقسیم دریای خزر**

در روز ۶ ژوئیه، رؤسای جمهور روسیه و قزاقستان قرارداد دوجانبه‌ای را در مورد تقسیم منابع نفتی زیرزمینی بخش شمالی دریای خزر میان دو کشور، به امضاء رساندند. «نظر‌بایف»، رییس جمهور قزاقستان، در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی، امضای این قرارداد را یک پیروزی مهم برای کشور خود ارزیابی کرد. این قرارداد به دولت قزاقستان اجازه می دهد که در رابطه با منابع نفتی بخش مربوط به این کشور در دریای خزر، با شرکت های بین المللی نفتی وارد مذاکره شود.

دولت های ایران و ترکمنستان نسبت به این قرارداد اعتراض کرده و اعلام نموده اند که ثروت های آبی و زیرزمینی دریاری خزر به طور برابر به همهٔ کشورهای ساحلی آن تعلق دارد و «نمی توان آنها را با قراردادهای دوجانبه تقسیم کرد». این دو کشور خواستار ایجاد یک رژیم واحد برای کنترل منابع دریای خزر، که سهم برابر همهٔ کشورهای ساحل خزر را مراعات کند، شده اند. میان پنج کشور ساحل دریای خزر — قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان، روسیه و ایران — در مورد چگونگی کنترل منابع آبی و زیرزمینی این دریا هنوز توافقی به وجود نیامده است.

- نرخ رشد اقتصاد چین در نیمهٔ اول سال جاری ۷ درصد بود**

ادارهٔ آمار دولتی چین اعلام کرد که نرخ رشد سالانهٔ اقتصاد این کشور در نیمهٔ اول سال ۹۸، ۷ درصد، یعنی یک درصد کمتر از هدف اعلام شدهٔ دولت برای رشد اقتصاد بوده است. دولت چین این کاهش نرخ رشد را معلول بحران اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی دانست. نرخ رشد صادرات چین نیز در نیمهٔ اول سال جاری ۷/۶ درصد بوده است و به ۸۷ میلیارد دلار رسیده است.

رهبران چین حداقل ۸ درصد رشد اقتصادی در سال را برای حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی این کشور ضروری اعلام کرده اند. به همین دلیل، «دای ژیانگ لانگ»، رییس بانک مرکزی چین، اعلام کرده است که دولت این کشور قصد دارد با افزایش عرضهٔ پول، به رشد اقتصاد یاری رساند. در ماه مارس گذشته رهبران چین تصویب کردند که در عرض سه سال آینده، رقمی بین ۷۵۰ میلیارد تا یک تریلیون دلار از طریق اجرای پروژه های راه سازی، پل سازی و ساختمان مسکن به اقتصاد این کشور تزریق کنند.

- روسیه ۱۷ میلیارد دلار دیگر از «صندوق بین المللی پول» وام می گیرد**

بحران فزایندهٔ ناشی از رقم های اقتصادی سرمایه داری در روسیه، دولت یلتسین را وادار کرد که برای تثبیت وضعیت اقتصادی کشور و در حقیقت جلوگیری از به مخاطره افتادن وضعیت خود، بار دیگر دست به دامن «صندوق بین المللی پول» شود. طبق توافق انجام شده، یازده میلیارد دلار از وام ۱۷ میلیارد دلاری، که تحت فشار دولت آمریکا به «صندوق بین المللی پول» با آن موافقت شد، در سال جاری در اختیار روسیه قرار می گیرد. در مقابل این وام، «صندوق بین المللی پول» از روسیه تعهد گرفته است که حجم کسری بودجهٔ این کشور را از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۹۸ به ۲/۸ در سال ۹۹ برساند. دولت روسیه همچنین توافق کرده است که در مقابل دریافت این وام، رقم های اقتصادی ناتمامی را که در مقابل وام ۱۰ میلیارد دلاری قبلی تعهد کرده بود به پایان برساند. در حال حاضر، کل ذخایر مالی دولت روسیه به ۱۵ میلیارد دلار کاهش یافته است و سرمایه گذاران خارجی معادل ۲۰ میلیارد دلار از اوراق بهادار دولتی را در مالکیت خود دارند.

- بروز اختلاف در پارلمان هندوستان بر سر طرح مربوط به حمایت از زنان**

در نیمهٔ اول ماه ژوئیه، احزاب محلی نمایندهٔ مسلمانان هندوستان، در اعتراض به لایحهٔ دولت مبنی بر اختصاص یک سوم از کرسی های مجلس ملی و شوراهای محلی به زنان، روند کار پارلمان هندوستان را مختل کردند و رییس مجلس را وادار ساختند تا جلسه را به تعویق اندازد. طبق گزارش رسانه های گروهی هندوستان، احزاب بزرگ اپوزیسیون دولت هند، حزب کنگره و دو حزب کمونیست این کشور، حمایت خود را از این لایحه به طور ضمنی اعلام کرده اند. احزاب مسلمان مخالف طرح، با سازماندهی اعتراضات در درون و بیرون مجلس، خواستار شده اند که کرسی های جداگانه ای به زنان مسلمان و زنان محلات عقب مانده اختصاص داده شود. تصویب این لایحه، که به موافقت دو سوم نمایندگان پارلمان این کشور نیاز دارد، به معنای ایجاد تغییرات در قانون اساسی هندوستان خواهد بود.

- حل بحران فاجعه بار اقتصادی در اندونزی به ۵۰ میلیارد دلار وام نیاز دارد!**

در روز ۲۵ ژوئن، «صندوق بین المللی پول»، ضمن اعلام طرح جدید خود برای انجام رقم های اقتصادی در اندونزی، تأکید کرد که حل بحران اقتصادی این کشور نیازمند حدود ۵۰ میلیارد دلار وام خارجی اضطراری است. در ماه اکتبر ۹۷، این «صندوق» با پرداخت یک وام ۴۳ میلیارد دلاری به دولت «سوهارتو» موافقت کرده بود، اما اخیراً اعلام کرد که بحران اقتصادی این کشور پس از سقوط «سوهارتو» تشدید شده است و این کشور به ۴ تا ۶ میلیارد دلار وام اضافی نیاز دارد. طبق پیش بینی «صندوق بین المللی پول»، اقتصاد اندونزی در سال جاری ۱۰ درصد سقوط خواهد داشت و نرخ ارز این کشور در حد ۱۰ هزار روپیه در برابر یک دلار تثبیت خواهد شد (پیش از سقوط دولت «سوهارتو»، این نرخ ۲۴۰۰ روپیه در برابر هر دلار بود). «صندوق بین المللی پول» همچنین افزایش نرخ تورم در این کشور را در سال جاری تا ۸۰ درصد پیش بینی کرده است.

اما بسیاری از ناظران اقتصادی، از جمله بانک جهانی، ارزیابی های «صندوق بین المللی پول» را خوشبینانه ارزیابی کرده اند. رویهٔ اندونزی هم اکنون در بازار آزاد ۱۶ هزار در برابر یک دلار مبادله می شود و کارشناسان اقتصادی اندونزی سقوط اقتصادی این کشور در سال جاری را ۱۵ تا ۲۰ درصد پیش بینی می کنند. طبق پیش بینی بانک جهانی، تا آخر سال ۹۸ بیش از ۴۰ درصد مردم اندونزی به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد. با این وجود، بر اساس توافق انجام گرفته میان «صندوق بین المللی پول» و دولت جدید اندونزی، این دولت تعهد کرده است که در مقابل دریافت این وام نجومی، به تدریج سوسپد مواد غذایی و سوخت را برای مردم فقیر این کشور از میان بردارد.

در جهان سرمایه

فروپاشی اتحاد شوروی به قاچاقچیان مواد مخدر یاری رسانده است

روی جلوگیری از قاچاق مواد مخدر روی کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا قرار داده اند و کشورهای فقیر آسیای مرکزی را در مقابل این مشکل عظیم تنها گذاشته اند.

شرکت گاز روسیه مردم «مولداوی» را به قطع سرویس گاز تهدید می کند

در روزهای اول ماه ژوئیه، شرکت انحصاری گاز روسیه، «ار. آ. او. گازپروم»، اعلام کرد که اگر مردم روسیه بدهی ۲۱۵ میلیون دلاری خود را به این شرکت پرداخت نکنند، سرویس گاز «مولداوی»، که از روز اول ژوئیه به نصف کاهش یافته است، از ماه آینده به طور کامل قطع خواهد شد.

اکثریت مردم فقیرزده «مولداوی» بر اثر این تهدیدها اجاق های گازی را خاموش کرده اند و برای یخت و یز به استفاده از اجاق های سنگی و سوزاندن هیزم روی آورده اند. «ماریا»، یک زن ۴۴ ساله، می گوید: «به ما می گویند که پول گاز خود را پرداخت نکرده اید. اما ما چگونه می توانیم پول گاز خود را بپردازیم؟ حقوق ما را از ماه فوریه تاکنون پرداخت نکرده اند!» در «مولداوی»، حقوق متوسط ماهانه ۵۰ دلار و حق باننشستگی ۲۰ دلار است. آن هم در صورتی که پرداخت شود.

علی رغم همه فشارهای اقتصادی که به مردم وارد می شود، دولت «مولداوی» نیز به پیروی از دستورات «صندوق بین المللی پول»، قوانین تازه ای را برای قطع تأمین های اجتماعی مردم، افزایش

از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، قاچاقچیان مواد مخدر امکان یافته اند تا شبکه گسترده ای در آسیای مرکزی برای قاچاق مواد مخدر از افغانستان به اروپای غربی ایجاد کنند. جمهوری های تازه تأسیس یافته آسیای مرکزی، مانند تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان نیز منابع مالی لازم برای راریارویی با رشد این شبکه عظیم قاچاق مواد مخدر ندارند. «جوسا لیف»، نخست وزیر قرقیزستان، اخیراً در یک اجلاس سازمان ملل مطرح کرد که «دو تا سه سال قبل، مردم قرقیزستان تنها یک تصویر ذهنی از هروئین داشتند، اما اکنون هروئین به یکی از مهم ترین مواد مخدر در بازارهای زیرزمینی ما بدل شده است». به گفته «راخمانوف»، رییس جمهور تاجیکستان، «در سال ۱۹۹۱، یعنی سال فروپاشی اتحاد شوروی، پلیس تاجیکستان تنها ۱۰ کیلو مواد مخدر مصادره کرد. اما تنها در سال ۱۹۹۷، پلیس تاجیکستان بیش از ۴/۵ تن مواد مخدر از قاچاقچیان گرفته است». به گفته او، این مقدار مواد مخدر «تنها ۱۵ درصد کل ترافیک مواد مخدر را در خاک تاجیکستان تشکیل می دهد». «راخمانوف» در صحبت های خود از دولت های غربی گله کرد که همه تمرکز خود را

مالیات ها و بالا بردن قیمت کالاهای اساسی به تصویب رسانده است. از هم اکنون قیمت نان ۵۰ درصد و قیمت بنزین ۱۰ درصد افزایش یافته و قرار است پس از افزایش مالیات ها بین ۳۰ تا ۵۰ درصد دیگر افزایش پیدا کند. یک زن میوه فروش در شهر «استاوسنی» می گوید: «اگر قیمت ها حتی ۵۰ درصد افزایش پیدا کند، ما دیگر نخواهیم توانست زندگی کنیم». «والنتینا»، یک زن نظافتچی خیابان در شهر «چیسینا» معتقد است: «آنها می خواهند مردم ما را بکشند. اما به جای فشنگ، از گرسنگی استفاده می کنند».

قانون بودجه سال ۱۹۹۸ «مولداوی» کاملاً بر اساس دستورات «صندوق بین المللی پول» تهیه شده و هدف اعلام شده آن «تنگ کردن کمربندها» و تحمیل رفرم های اقتصادی در راستای قطع کامل رابطه «مولداوی» با گذشته سوسیالیستی آن است. هرچند رییس جمهور این کشور، «پترو لوسینشی» هنوز به نسخه های «صندوق بین المللی پول» اعتقاد و اعتماد ندارد، اما مجلس «مولداوی» در اختیار نیروهایی است که از «صندوق بین المللی پول» دستور می گیرند. بودجه سال ۹۸ مصوب مجلس «مولداوی» مالیات های دریافتی از مردم را به دو برابر افزایش داده است. این در حالی است که به واسطه فقر شدید مردم، در سال ۹۷ دولت حتی نتوانسته است نیمی از مالیات های گذشته را از مردم دریافت کند.

تشکیل اتحادیه های کارگری بین المللی
در تقابل با روند جهانی شدن سرمایه و افزایش شدید قدرت شرکت های فراملیتی، اتحادیه های کارگری کشورهای سرمایه داری صنعتی نیز به سرعت در جهت ایجاد اتحادهای فراملیتی در میان شعبات خود در کشورهای مختلف گام بر می دارند.

در یک نمونه اخیر، دو شعبه از «اتحادیه سراسری کارگران مخابرات»، و اتحادیه «برادری بین المللی کارگران صنایع الکتریکی» در آمریکا، که در شرکت مخابراتی فراملیتی «آمری تک» فعالیت دارند، همراه با همتایان خود در کشورهای بلژیک، دانمارک و مجارستان دست به تشکیل یک اتحاد بین المللی زدند. این اتحاد، که «اتحاد آمری تک» نام گرفته است، ۷۴ هزار کارگر شرکت «آمری تک» در آمریکا و ۳۲ هزار کارگر این شرکت در سه کشور دیگر را نمایندگی می کند.

این اتحاد از هم اکنون از سوی «آمری تک» به رسمیت شناخته شده است و این شرکت ناچار شده است قرارداد کار تازه ای را با «اتحاد آمری تک» به امضاء برساند. طبق قرارداد جدید، طی ۳۲ ماه آینده ۱۱ درصد به حقوق کارگران افزوده خواهد شد. همچنین این شرکت موافقت کرده است که به محض توافق کارگران با این قرارداد، به هر یک از آنها ۵۰ دلار پاداش بپردازد و شرایط بیمه بهداشتی آنها را بهبود بخشد. «اتحاد آمری تک» در حال حاضر مشغول تهیه یک طرح ۶

در جنبش جهانی کمونیستی

منظور کاهش فشارهای ناشی از بحران اقتصادی بر مردم و به ویژه بر کارگران این کشور، خواهد بود. نشریات معتبر ژاپن، شعار حزب کمونیست مبنی بر کاهش مالیات بر مصرف را یکی از دلایل عمده پیروزی چشمگیر این حزب در انتخابات اخیر ارزیابی کرده اند.

حزب کمونیست آلبانی اجازه فعالیت قانونی گرفت

طبق گزارش خبرگزاری «رویتر» شش سال پس از غیرقانونی اعلام کردن حزب کمونیست آلبانی، وزارت دادگستری این کشور در روز ۱۳ ژوئیه به حزب کمونیست و دو سازمان کمونیستی دیگر که خواستار آزادی فعالیت قانونی خود بودند، اجازه فعالیت داد. سخنگوی وزارت دادگستری آلبانی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که به حزب کمونیست آلبانی پس از روشن شدن این مسأله که این حزب قانون اساسی، پولوالیسم سیاسی، حقوق بشر و حق مالکیت خصوصی را به رسمیت می شناسد، اجازه فعالیت داده شده است. حزب کمونیست آلبانی پس از سقوط دولت آلبانی در سال ۱۹۹۰ بار دیگر تشکیل شده بود اما مقامات آلبانی آن را در سال ۱۹۹۲ غیرقانونی اعلام کرده بودند. اما در ماه آوریل گذشته، پارلمان آلبانی با گذراندن قانون تازه ای، راه را برای فعالیت مجدد و قانونی حزب کمونیست باز کرد. رهبر حزب کمونیست آلبانی، «هیسنی میلوشی» است که رهبری حزب کمونیست سابق را نیز برعهده داشته است.

یکی از شروط اعلام شده توسط وزارت دادگستری آلبانی برای صدور اجازه فعالیت قانونی برای احزاب کمونیست در این کشور این است که آنها خود را «وارث» حزب کمونیست گذشته ندانند و برنامه سیاسی جدیدی ارائه دهند. با این وجود، بسیاری از اعضای حزب کمونیست آلبانی، بدون توجه به شروط تعیین شده از سوی وزارت دادگستری، علناً این حزب را وارث حزب کمونیست سابق اعلام کرده اند و در این مورد دست به تبلیغات زده اند.

حزب کمونیست بنگلادش به امضای قرارداد نظامی میان آمریکا و بنگلادش شدیداً اعتراض کرد

در ماه گذشته، حزب کمونیست بنگلادش و تعدادی از نیروهای دموکراتیک و چپ این کشور مخالفت خود را با قرارداد همکاری نظامی که قرار است میان دولت های آمریکا و بنگلادش به امضاء برسد اعلام کردند و با برگزاری جلسات سیاسی مشترک و مصاحبه های مطبوعاتی نسبت به آن شدیداً اعتراض کردند. از جمله مواد این قرارداد، لغو ضرورت صدور ویزا برای ورود نظامیان آمریکایی به این کشور است. نیروهای مترقی بنگلادش این قرارداد را «مغایر استقلال، حاکمیت ملی، و روح پرشکوه مبارزات رهایی بخش مردم بنگلادش» خوانده اند.

«شهیدالله چودری»، صدر حزب کمونیست بنگلادش، و «مجاهد الاسلام سلیم»، دبیرکل این حزب، با صدور یک بیانیه مشترک مطبوعاتی اعلام کردند که در صورت امضای این قرار داد «با ارتشی که در سال ۱۹۷۱ با گسیل ناوگان هفتم خود قصد نابودی جنبش رهایی بخش بنگلادش را داشته است، استقلال کشور به خطر خواهد افتاد». آنها در بیانیه خود این قرارداد را «یک خیانت جدی به شهدای مبارزات رهایی بخش» این کشور خواندند. در بیانیه رهبران حزب کمونیست بنگلادش همچنین گفته شده است که قصد

ماده ای اصولی برای ارائه به این شرکت است. در این طرح، که قرار است مبنای روابط میان کارگران و مدیریت شرکت «آمری تک» در همه کشورهای قرار گیرد، رعایت اصول زیر از شرکت خواسته شده است:

- به رسمیت شناخته شدن حق تشکیل کارگران در همه کشورها؛
- رعایت قوانین ملی و سنتن کارگری هر کشور؛
- تأمین امنیت شغلی و تضمین کارآموزی منظم برای همه کارگران این شرکت؛
- عدم استخدام کارگران غیراتحادیه ای توسط «آمری تک»؛
- ارائه خدمات با کیفیت بالا و با قیمت مناسب برای مردم در همه کشورها؛
- گسترش خدمات و افزایش نیروی کار شرکت «آمری تک» در طول زمان.

«جف روبین باخ»، رییس منطقه ۴ «اتحادیه کارگران مخابرات» آمریکا، قرارداد جدید را «نتیجه قدرت ایجاد شده بر اثر تشکیل این اتحاد» ارزیابی کرد.

اعلام همبستگی «فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری با مبارزات کارگران و زحمتکشان یمن

«فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری» (WFTU)، با صدور یک اعلامیه، همبستگی خود را با مبارزات کارگران و زحمتکشان یمن علیه برنامه های تعدیل اقتصادی دولت این کشور اعلام کرد. «فدراسیون جهانی» با ارسال نامه ای به رییس «فدراسیون

در جهان کار

عمومی اتحادیه های کارگری یمن»، «همبستگی کامل خود را با «مبارزات زحمتکشان، اتحادیه های کارگری و نیروهای دموکراتیک یمن علیه افزایش قیمت سوخت و مواد غذایی، که در چارچوب توافق های انجام شده با صندوق بین المللی پول توسط دولت به مردم تحمیل شده است» اعلام نمود. در نامه «فدراسیون جهانی» همچنین آمده است: «فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری شرایط تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول را تخلف صریح از مفاد توافقنامه کنفرانس جهانی برای توسعه اقتصادی می داند. در این کنفرانس جهانی تصویب شده است که تعدیل های ساختاری نباید به نحوی به پیش برده شوند که حامل پیامدهای منفی اجتماعی باشند. به همین دلیل، فدراسیون از خواست زحمتکشان یمن برای العای سیاست افزایش قیمت ها حمایت می کند».

«فدراسیون جهانی» در پیام خود همچنین اقدامات خشونت آمیز دولت یمن را در جهت سرکوب جنبش اعتراضی مردم این کشور، که با سقوط شدید سطح زندگی خود مواجه هستند، به شدت محکوم کرد و خواستار قطع اعمال خشونت آمیز دولت علیه تظاهرات اعتراضی مردم یمن در مورد سیاست های تعدیل اقتصادی تحمیل شده از سوی «صندوق بین المللی پول» گردید.

واقعی آمریکا دستیابی به گاز، نفت و دیگر منابع طبیعی بنگلادش و تحمیل «استراتژی ژئوپولیتیکی امپریالیسم» به شبه قاره و جهان است. رهبران حزب کمونیست در بیانیه خود از همه نیروهای دموکراتیک و شهروندان آگاه این کشور خواسته اند تا مشترکاً علیه این «توطئه امپریالیستی» مبارزه کنند.

اجلاس مشترک جوانان کمونیست یونان، ترکیه و قبرس در اعتراض به برنامه های امپریالیسم در منطقه

به دعوت سازمان جوانان حزب کمونیست یونان (KNE)، صدها نفر از نمایندگان جوانان کمونیست یونان، ترکیه و قبرس در جزیره «چیوس» واقع در نزدیکی مرز ترکیه گرد آمدند و در یک اجلاس مشترک به منظور بررسی برنامه های امپریالیسم در منطقه شرکت جستند. جوانان کمونیست در این اجلاس ضمن محکوم کردن نقش امپریالیسم آمریکا و «ناتو» در منطقه، خواستار استقرار صلح و همکاری کشورهای حوضه دریای «آژه»، شبه جزیره بالکان و خاورمیانه شدند. در پایان این اجلاس مشترک، که در روز چهارم ژوئیه در جزیره «چیوس» آغاز شد و در «سسمه» ادامه یافت، جوانان کمونیست سه کشور اعلامیه مشترکی را به امضاء رساندند که در آن از جمله آمده است: «ما اعتراض شدید خود را علیه دخالت های نظامی نیروهای ناتو که تحت پوشش نیروهای حفظ صلح عمل می کنند اعلام می داریم و خواهان خروج بی درنگ همه سربازان خارجی از کشورهای بالکان هستیم. در این چارچوب، ما برناه های اخیر آمریکا و ناتو در جهت ایجاد تحریکات و کشتادن مردم ما به مرز جنگ را محکوم می کنیم... ما خواهان حل مسالمت آمیز مسأله قبرس و تشکیل یک قبرس واحد، غیرنظامی و مستقل هستیم... ما قاطعانه با راه حل هایی مانند قرارداد «دیتون» [قرارداد صلح اسرائیل- فلسطین] در رابطه با قبرس مخالفیم زیرا این گونه راه حل ها هیچ سختی با منافع مردم قبرس ندارد... ما ناسیونالیسم و شوونیسم را که ابزارهای امپریالیسم برای پیشبرد برنامه های فاجعه آمیز آن هستند، محکوم می کنیم».

«اخگر» را با کمک های مالی خود یاری دهید

لطفاً کمک های مالی خود را به حساب بانکی «اخگر» واریز کنید و کپی قبض رسید آن را به آدرس نشریه بفرستید.
نام بانک: Bank of New York
شماره حساب (به نام «اخگر»): 6105761005
کد بانکی: 021202719
علاقه مندان در آمریکا می توانند کمک مالی خود را به صورت چک یا حواله بانکی در وجه «اخگر» مستقیماً به آدرس نشریه ارسال دارند.

آدرس پستی:

Akhgar
P.O. Box 250808
Columbia University
NY, NY 10025, USA

آدرس پست الکترونیک:
akhgar@akhgar.org

آدرس اینترنت:
http://www.akhgar.org

نشریه ماهانه مدافعان سوسیالیسم علمی